







همه با هم جهاد

دفتر اول:

گفتمان جهادی



## «همه با هم جهاد»

دفتر اول: گفتمان جهادی

گردآوری و تنظیم: معاونت عملیات جهادی سازمان بسیج دانشجویی  
با همکاری: محمدعلی شکرچی، پارسا علی شیری، رضا گلیج، محمدرسول حسینی، فریبا محمدکریمی

ویراستار: فاطمه کاظمی

صفحه آرا: مهدیه سادات دادخواه حقیقی

طراح جلد: استودیو آرایه

مشخصات ظاهری: ۸۷ صفحه، رقعی

آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع خیابان مفتح، مجتمع فرهنگی سیزدهم آبان

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۳۸۱۵۱۶

## فهرست

پیش‌گفتار.....	۷
فصل ۱ جهاد چیست و جهادی کیست؟.....	۹
مقدمه.....	۱۱
مبانی معرفتی.....	۱۱
تعریف استضعاف.....	۱۲
استضعاف فکری و علمی.....	۱۳
استضعاف مادی.....	۱۳
استضعاف سیاسی.....	۱۴
راه مبارزه با استضعاف.....	۱۴
تعریف جهاد.....	۱۸
نیت جهاد.....	۲۰
انواع جهاد.....	۲۱
جهاد اکبر.....	۲۱
جهاد کبیر.....	۲۲
جهاد دفاعی.....	۲۴
جهاد توأسی.....	۲۴
جهاد موااسات.....	۲۴
جهاد خدمت‌رسانی.....	۲۵
گروه‌ها و حرکت‌های جهادی.....	۲۵
جهادگر.....	۲۶
رویکرد صحیح جهادگران در ورود به مسائل.....	۲۶
مدل مدیریت جهادی.....	۲۸
مدیر جهادی.....	۲۸
تأثیرات کار جهادی.....	۲۹
فصل ۲ جهادی، بازوی عدالت محوری.....	۳۳
مقدمه.....	۳۵
تعریف عدالت.....	۳۶
توازن.....	۳۶
مساوات.....	۳۶

۳۷	رعایت استحقاق.....
۳۷	عدالت در ابعاد فردی و اجتماعی.....
۳۸	عدل فردی (اخلاقی).....
۳۸	عدالت اجتماعی.....
۳۸	چرایی و ضرورت اجرای عدالت.....
۳۹	راز ماندگاری و موفقیت هر نظام اجتماعی.....
۳۹	لازمه‌ی شکل‌گیری جامعه‌ی اسلامی.....
۳۹	عامل رفع بدبختی جوامع انسانی.....
۴۰	لازمه‌ی رفع محرومیت.....
۴۱	حفظ دین در اقشار جامعه.....
۴۱	اصلاح اجتماعی.....
۴۲	برادری اسلامی.....
۴۲	تکثیر زدایی.....
۴۳	نیازهای عمومی جامعه.....
۴۳	سلامت جسمی و روانی جامعه.....
۴۴	تقویت نیروی خرد در اجتماع.....
۴۴	اقتدار حاکمیت و اعتماد مردم به آن.....
۴۵	حرکت‌های جهادی، ابزار گسترش عدالت.....
۴۶	وظایف حرکت‌های جهادی در حوزه‌ی عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر.....
۴۸	گروه‌های جهادی و وظیفه‌ی امت در برابر امامت.....
۴۹	<b>فصل ۳ سیر تطور حرکت‌های جهادی.....</b>
۵۱	مقدمه.....
۵۱	شکل‌گیری جهاد سازندگی.....
۵۴	اهداف و آرمان جهاد سازندگی.....
۵۵	رسم جهاد.....
۵۶	ساختار جهاد سازندگی.....
۵۹	اثرات جهاد سازندگی.....
۵۹	امیدواری روستایی‌ها.....
۵۹	بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده.....

۶۰.....	ایجاد ارتباط بین فعالیت های اجرایی و مراکز تحقیقاتی
۶۰.....	تمرکز زدایی امر توسعه
۶۰.....	کمک به خودکفایی در بعضی از محصولات استراتژیک غذایی
۶۱.....	انحلال جهاد سازندگی
۶۳.....	تشکیل بسیج سازندگی
۶۴.....	خوانش ها و رویکردهای مختلف جهادی
۶۴.....	رویکرد شخص محور
۶۴.....	حاج عبدالله والی
۶۷.....	رویکرد گروه محور
۶۸.....	حزب الله لبنان
۷۰.....	رویکرد عرصه محور
۷۰.....	رویکرد منطقه محور
۷۱.....	جمعیت دانشجویی امام حسن <small>علیه السلام</small>

## فصل ۴ جهاد تا کجا؟..... ۷۵

۷۷.....	نهایت کار جهادی چیست؟
۷۹.....	ترویج گفتمان جهادی؛ از معنا تا شیوه
۸۱.....	نسبت جهادی با تمدن نوین اسلامی
۸۴.....	منابع





## پیش‌گفتار

«جاهدوا فی الله حق جهاده» این خطاب پرودگار است به تمامی انسان‌ها در تمامی اعصار، امری که پیامبران و مصلحان اجتماعی ناظر به آن در موقف‌های متعدد مردم عصر خود را فراخوانده‌اند. جهاد نه تنها یک وظیفه که یک روحیه و گفتمان حاکم بر قلوب و اعمال مؤمنین است. در دفتر اول از مجموعه «همه با هم جهاد» با عنوان گفتمان جهادی سعی داریم تا با مرور مفاهیم و مبانی جهاد و انواع آن و ارتباط آن با عدالت به الگوهای چند دهه اخیر که توانسته‌اند در فراگیری گفتمان جهادی موثر باشند اشاره نماییم. گروه تدوین‌کننده با توجه به گستردگی روایات، نظرات و الگوها و ضرورت تلخیص محتوا و ارائه آن به مسئولین مرتبط با حرکت‌های جهادی، اقدام به گزینش و انتخاب بخش‌های دارای اولویت نموده است که جهت مطالعه عمیق‌تر و بررسی تمامی ابعاد لازم است به کتاب‌های مرجع مراجعه گردد.



# فصل اول

جهاد چیست و جهادی کیست؟



## مقدمه

هر اقدام بر مبنای و نظریاتی استوار است و اشراف بر آن‌ها مقوم فعالیت و افزایش اثرات و ثمرات آن خواهد بود. با توجه به اهمیت تعیین واژه و مفاهیم مرتبط با جهاد، در فصل به تعاریف مبنایی جهاد و اردوهای جهادی پرداخته و تعریف انواع جهاد و کارکرد هر کدام را روشن می‌نماییم.

## ۱- مبانی معرفتی

انسان از جهات مختلف یکی از مهم‌ترین محورهای بحث همه‌ی مکتب‌ها و جهان‌بینی‌هاست. در این میان تبیین سعادت و کمال انسان در راه رسیدن به آن، از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. انسان‌شناس آشنا به زمان، شهید استاد مطهری، معتقد است که انسان کامل اسلامی، انسانی است که تمام ارزش‌های انسانی، هماهنگ با هم در او رشد کرده باشد و موانع رشد انسان در زمینه‌های مختلف، باعث می‌شوند که انسان مستضعف واقع شود و هدف همه‌ی مصلحان اجتماعی برداشتن این موانع و رفع استضعاف و جهاد در این مسیر بوده است.

## ۱-۱- تعریف استضعاف

در ابتدا باید معنای استضعاف و مستضعف را مشخص کنیم، تا بتوانیم در برابر آن جهاد کنیم. لفظ استضعاف، پانزده بار در قرآن آمده است و معانی زیادی را دربرمی‌گیرد؛ از سلب قدرت گرفته تا نداشتن راه و چاره، عدم موقعیت اجتماعی، فقدان ایمان تحقیقی و استضعاف مؤمنان ناوابسته. اما مستضعف به طور کلی کسی است که ناتوان است؛ این ناتوانی یا جسمی است و یا فکری و نظری است.

دسته‌ای از مستضعفان در عالم وجود دارند که هیچ راه‌هایی و گریزی از ستم و ظلم ندارند؛ در تنگناهایی قرار دارند که به دلیل ناتوانی، راه گریزی برای شان وجود ندارد. این دسته از مستضعفان خود وظیفه‌ای بر دوش ندارند؛ لیکن کسانی که توانایی دارند، موظف و مکلف هستند که از هر راهی شده (حتی به پیکار و جنگ) این افراد را از این وضعیت آزاد و رها کنند.<sup>۱</sup> مثال بارزی که در قرآن برای این موضوع آورده شده است، آیه‌ی ۷۵ سوره‌ی نساء است. دسته‌ای از مردان و زنان و کودکان در دیاری به ناتوانی افتاده‌اند، ستم و ستمگر را درک می‌کنند و می‌شناسند. حتی می‌دانند که تنها راه، بیرون رفتن از آن آبادی است اما در این امر ناتوانند و چاره‌ای برای بیرون رفتن از آبادی ندارند. به همین جهت دست به دعا برمی‌دارند و از خداوند متعال تقاضا می‌کنند سرپرست و رهبر و یآوری برای نجات آن‌ها قرار دهد.

**در دیدگاه امیرالمؤمنین استضعاف چند دسته می‌شود:**

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیه‌ی ۷۵: «وَمَالِكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».

## ۱-۱-۱- استضعاف فکری و علمی

کسانی که دچار عدم فهم هستند، ناتوان به شمار می‌روند. وظیفه‌ی دانشمندان و آگاهان، بیرون آوردن آن افراد از تیرگی نادانی به نور دانش است.<sup>۱</sup> در مکتب علوی، توجه خاصی به استضعاف فکری و فرهنگی شده؛ به گونه‌ای که یکی از حقوق مردم بر حکومت، مقابله با این پدیده‌ی شوم اجتماعی است، چنان که حضرت می‌فرماید:

اما حق شما بر عهده‌ی من، تعلیم شماست تا جاهل نمانید؛  
و نیز تادیب و تربیت شماست تا این که در شمار عالمان و  
وارستگان قرار گیرید.<sup>۲</sup>

## ۱-۲-۱- استضعاف مادی

این نوع استضعاف به معنای محروم نگه داشتن عده‌ای از امکانات و وسایل مادی که انسان در حد زندگانی متعارف دنیایی به آن نیاز دارد می‌باشد. اگر کسانی به جهت استکبار و غلبه کردن بر دیگران بخواهند از رسیدن امکانات به کسانی که با آن‌ها مرتبط هستند یا زیر دستشان هستند جلوگیری کنند یا از جهت فکری مانع آن‌ها بشوند تا حق قیام برای ایفاء حقوقشان برای خودشان قائل نباشند، می‌گوییم این افراد دچار استضعاف مادی هستند که از طریق فکر می‌آید. قرآن کریم راجع به فرعون می‌فرماید: «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ»<sup>۳</sup> فرعون قومش را استخفاف کرد و به آن‌ها گفت

۱. و قال علی بن ابی طالب علیه السلام: «من كان من شیعتنا، عالماً بشیعتنا، وأخرج ضعفاً شیعتنا من ظلمة جهلهم الی العلم الذی حیوانه به...»؛ (۳۵)

علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: «هرکس که از پیروان ما، دانا به شریعت ماست، و پیروان ناتوان ما را از تیرگی ناتوانی شان بیرون برد و به روشنایی دانشی که به ما ارزانی داشته‌اند درآورد.»

۲. فاما حَقُّکُم عَلٰی... تعلیمکم کیلا تجهلوا و تادیبکم کیما تعلموا.

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی زخرف، آیه‌ی ۵۴

شما عرضه ندارید که خودتان را اداره کنید. مستکبرین عالم نوعاً از این طریق وارد می‌شوند و باعث استضعاف دنیایی افراد می‌شوند.

این نحوه‌ی استضعاف تنها منحصر در مستکبرین خیلی ظاهر و بارز نیست، هرکسی در ارتباط با دیگران ممکن است یک نوع مسئولیتی نسبت به دیگران داشته باشد یا الان مسئولیتی ندارد و بعداً می‌خواهد از این طریق بر آن‌ها مستولی بشود، گاهی هم شخصی می‌خواهد فقط خودش دیده شود و شخص دیگری بالا نیاید، بنابراین شروع به تحقیر دیگران می‌کند.

در این مواردی که نام بردیم، استضعاف به‌گونه‌ای به جنبه‌های مادی بازگشت می‌کند که شخص از جهت استفاده از مواهب مادی که خدای متعال برای او مقرر کرده است محروم بماند.

### ۱-۱-۳- استضعاف سیاسی

سومین قسم از اقسام استضعاف، استضعاف سیاسی است. استضعاف سیاسی، عبارت از حکمرانی با زور و قدرت نامشروع بر مجموعه‌ای است که شهروندان آن بر چنین حکومتی رضایت ندارند؛ اما از سویی قدرت مقابله و براندازی حکومت جور را ندارند و از سوی دیگر حکومت نیز آنان را با اتکا به قدرت و زور، مرعوب و در حالت استضعاف نگاه داشته است.

### ۱-۲- راه مبارزه با استضعاف

اگر بخواهیم نحوه‌ی برخورد با مستکبران را بررسی کنیم بهترین برخورد، برخورد امیرالمؤمنین علیه السلام با ستمگران است. این نوع برخورد، در دو زمان



اتفاق افتاده است؛ وهله‌ی اول قبل از غصب خلافت توسط خلفای پیشین و وهله‌ی دوم زمان حکومت خود ایشان است.

حضرت در وهله‌ی اول به مقابله با غاصبان خلافت برخاست و تمام سعی و تلاش خویش در بازپس‌گیری حق به یغما رفته‌ی خود مبذول کرد. لکن به خاطر حفظ وحدت مسلمانان بعد از مأیوس شدن از یاری اصحاب، حضرت راه خانه‌نشینی را برگزید.

اما در دوره‌ی حکومت، نخستین کسانی که استکبار خود را نشان دادند، بعضی اصحاب بودند که به دلیل عنوان صحابی بودن و مشارکت در جنگ‌های صدر اسلام، روحیه‌ی تکبر و خودبزرگ‌بینی بر آنان حاکم شده بود و انتظار داشتند حضرت، امتیازات خاصی به آن‌ها عطا کند. که البته با پاسخ منفی و قاطع حضرت مواجه شدند. آن‌ها بعد از یأس از حضرت، پیمان و بیعت خود را نقض کردند و به همین دلیل به «ناکثان» نام گرفتند. از سران این دسته، طلحه و زبیر هستند که جنگ جمل را سازمان‌دهی کردند و درنهایت، شکست از حکومت علوی را پذیرفتند.

گروه بعدی، معاویه و طرفداران او هستند. حضرت در روزهای اول حکومت خویش درصدد عزل حکمرانی او در منطقه‌ی شام برآمد؛ اما معاویه با روحیه‌ی استکباری خود از پذیرفتن حکم عزل خویش سر باز زد و به ناچار حضرت راه پیکار را برگزید.

گروه سوم مستکبران، نه مستکبران سیاسی و طالبان قدرت و مقام بودند، بلکه مستکبران فکری و کج‌اندیشان بودند که فکر و عقیده‌ی باطل خود را حقیقت ناب و عین دیانت توصیف می‌کردند و در مقابل، اندیشه و عقیده‌ی ناب حضرت را برخلاف حقیقت و در حد کفر توصیف می‌کردند. جریان فکری خوارج، مصداق بارز استکبار فکری است که

حضرت تمام سعی خود را در هدایت آنان مبذول داشت. و حضرت خاستگاه هر ۳ دشمن خود را روحیه‌ی بزرگ بینی و استکبار برمی‌شمارد.<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که برگرفته از حکومت علوی است، حمایت از قشر مستضعف و آسیب‌پذیر جامعه است. اکثر مردم در حکومت‌ها تحت سلطه‌ی قدرتمندان و مستکبران قرار می‌گیرند. اما حضرت امیر یکی از علل پذیرفتن حکومت را حمایت از مستضعفان و برخورد جدی با ظالمان و ستمگران بیان می‌کند.

پس از جنگ صفین، به علل گوناگون، مانند تاخت و تازهای ایذائی نیروهای زیر فرمان معاویه، گسترش اندیشه‌های سطحی و سُست‌کننده‌ی خوارج، تبلیغات تردیدزای منافقان، خستگی افراد از بلا تکلیفی و عوامل متعدد دیگری که این نوشتار گنجایش بررسی آن‌ها را ندارد، باعث شد که مردم عراق به اقدام متقابل برنخیزند و به یاری حق نشتابند.

امام، بارها فرجام شوم و نابودکننده‌ی یاری نکردن را به آن مردم یادآوری کرد، لیکن باز هم به رهنمودها و آموزش‌ها و سرزنش‌ها و توبیخ‌های امیرالمؤمنین توجهی نشد. این بی‌توجهی، دشمن را گستاخ‌تر کرد. تا جایی که به شهر انبار تاختند و پس از کشتن نگهبانان اندک پادگان شهر، به مردم بی‌دفاع هجوم بردند و خانه‌ی زنی مسلمان و زنی از اهل کتاب را مورد دستبرد قرار دادند. در این شرایط، هیچ‌کس نبود که از آنان دفاع کند. امام با شنیدن گزارش این فاجعه‌ی انسانی چنان ناراحت شد که به خود سیلی زد و سخنانی بسیار تند به مردم کوفه گفت که به خطبه‌ی جهادیه مشهور است.<sup>۲</sup>

۱. «فلما نهضت بالأمير نكبت طائفةً ومرتت أخرى و قسط آخرون: كأنهم لم يسمعوا الله سبحانه يقول: «تِلْكَ النَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا».

زمانی که به امر حکومت قیام کردم، گروهی بیعت خود را نقص و گروهی از زیر بار بیعتم خارج و جمعی دیگر از اطاعت خداوند بیرون رفتند. گویا مخالفان نشنیده‌اند که خداوند می‌فرماید: سرای جاودانی را قرار دادیم برای کسانی که مقصودشان سرکشی و فساد در روی زمین نمی‌باشد.

۲. خطبه‌ی ۲۷ نهج‌البلاغه

آنچه که تا اینجای بحث مشخص شد، این است که برخی از افراد، هم در دانش و آگاهی و بینش ناتوان هستند و هم در زندگی مادی و امکانات معیشتی؛ برخی دیگر در یکی از این دو؛ و برخی در ایمان و برخی دیگر در معرفت؛ از این رو ما به عنوان یک انسان مسئول و متعهد باید بکوشیم تا انسان‌های دیگر را از ناتوانی (هرچه باشد) بیرون بیاوریم و از غرق شدن نجات دهیم. اما برخی افراد می‌خواهند زود از استضعاف بیرون بیایند، در همه‌ی انواع استضعاف این امکان موجود است، اما این بستگی به این دارد که ما چه میزان زمینه‌ها را فراهم کنیم. پس، لازمه‌ی خروج از استضعاف، صبر و تلاش است.

عالمان و روشنفکران متعهد، ضعف را در هر بُعد از آن، نوعی بیماری می‌دانند که گرفتار به آن را باید درمان کرد. در این درمان نباید ارزش و کرامت بیمار را خدشه دار کنند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

برادران ناتوان خود را کوچک شمارید، زیرا کسی که مؤمنی را کوچک شمارد، خدا او را کوچک و خوار کند، و در روز رستاخیز آنان را در یک جا گرد نیارد مگر این که توبه کند.<sup>۱</sup>

۱. لَا تُحَقِّرُوا ضِعْفَاءَ إِخْوَانِكُمْ، فَإِنَّهُ مَنْ احْتَقَرَ مُؤْمِنًا لَمْ يَجْمَعْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ. تحف العقول / ۱۰۵.

## ۱-۳- تعریف جهاد

در کتاب العین در مورد «جهد» چنین آمده است: «الْجَهْدُ مَا جَهَدَ الْإِنْسَانَ مِنْ مَرَضٍ، أَوْ أَمْرٍ شَاقٍّ فَهُوَ مَجْهُودٌ»<sup>۱</sup> که جهد و جهد را به معنای طاقت و مشقت می‌داند و در ادامه آمده که: «جَهَدْتُ اللَّبْنَ فَهُوَ مَجْهُودٌ، أَي أَخْرَجْتُ زُبْدَهُ كَلَّهُ»<sup>۲</sup>. ابن فارس هم اصل معنای «جهد» را مشقت می‌داند و معتقد است که دیگر معانی نزدیک به آن، بعداً بر آن حمل شده است.<sup>۳</sup> ابن درید در مورد «جهد» می‌نویسد: زمانی که گفته می‌شود: بلغ الرجلُ جُهْدَهُ وَجَهْدَهُ وَجَهْدَهُ، یعنی نهایت طاقت و توانایی خود را به کار بست.<sup>۴</sup>

از این مطالب فهمیده می‌شود کاربرد فعل «جهد» در مواردی است که انجام آن، نیاز به زحمت فراوان دارد. و سختی داشتن، اصل لاینفک جهاد است و البته استفاده از تمام توان و انرژی جهت رسیدن به یک هدف است.

رهبر انقلاب نیز در زمان‌های مختلف تصریح می‌کنند که صرفاً هر تلاشی جهاد نیست:

جهاد یعنی تلاش در مقابله‌ی با دشمن؛ هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش می‌کنند، تلاش‌های علمی زیادی می‌کنند، تلاش‌های اقتصادی می‌کنند که خوب و به‌جا است، اما جهاد نیست.

جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری درمقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که درمقابل دشمن

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۸۶/۳

۲. جوهری، ۱۳۷۶ ق: ۴۶۰/۲

۳. ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۴۸۶/۱

۴. ابن درید، ۱۹۸۸ م: ۴۵۲/۱

انجام می‌گیرد. شما اگر کار اقتصادی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه‌ی دشمن، می‌شود جهاد؛ این‌ها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه‌ی جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی، در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد؛ این خیلی مهم است.<sup>۱</sup>

قرآن در آیاتی که جهاد با قیدهای «فی سبیل الله»، «فی سبیل»، «فی سبیلی»، «فی‌الله» و «فینا» در آن‌ها به کار رفته، هدف جهاد را مشخص می‌کند. سبیل الله، راه حق و خیر و فضیلت است؛ و هرگونه تلاشی در راه دفاع از حق و فضائل و تشویق کردن مردم بر انجام آنها جهاد فی سبیل الله است.<sup>۲</sup>

در واقع وقتی تمام تلاش انسان معطوف به امور مربوط به خداوند - اعم از اعتقاد و عمل - می‌شود، به‌گونه‌ای که هیچ عاملی او را از ایمان به خدا و انجام دستورات او باز ندارد، به هدف جهاد دست یافته است.<sup>۳</sup> این آیات که هدف از جهاد را مشخص می‌کنند، شامل تمام درجات جهاد می‌شوند و اختصاص به جنگ نظامی با دشمن ندارد.<sup>۴</sup> بلکه گستره‌ای عام دارد و شامل جهاد با نفس، جنگ نظامی و هرگونه تلاشی برای تقویت دین الهی و نصرت مؤمنان می‌شود. لذا جهاد فی سبیل الله با ابزارهای متفاوتی از جمله دست، زبان، قلب، شمشیر، سخن و کتاب می‌تواند محقق شود.<sup>۵</sup>

۱. بیانات در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۳

۲. مراغی، بی تا: ۱۰۹/۶+

۳. طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ۱۵۱/۱۶

۴. جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۶/۱۱

۵. طبرسی، ۲۹۳/۱۳۷۲: ۳

پس، جهاد در معنای عام یعنی همراه بودن امری با سختی و به کار بردن نهایت تلاش در جهت تحقق هدف.

جهاد یعنی حداکثر تلاش مؤمن عاشق تحت امر ولی برای به کارگیری و به جریان انداختن استعداد های بالقوه و بالفعل در راه خدا؛ و مؤمن جهادی یعنی مؤمن بصیر به میدان آمده ی اهل تلاش و مبارزه.

### ۱-۳-۱- نیت جهاد

جهاد یعنی تلاش و کوشش در راه ارزش های والا. به همین علت است که «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup>. به مظاهر نظامی گری مادی در دنیا نگاه کنید، کشورهای مستکبر و زورگو که نیروهای خودشان را برای چه در کشورهای عراق و افغانستان و ... به جان مردم انداخته بودند؟ برای پول. این مزدوران بین کودک، پیر، جوان و زن و مرد هیچ تفاوتی قائل نبودند و نیستند و چیزی برایشان محترم و معتبر نبوده و نیست.

افرادی که در این راه جانشان را از دست می دهند، جانشان هدر رفته است. اما انسانی را در نظر بگیرید که در راه دفاع از ملت و ناموس خود، جانش را از دست داده است. این فرد برای ارزشی می جنگد، حتی اگر در گمنامی بمیرد و هیچ کس او را نشناسد، قطعاً نزد خداوند جایگاه ویژه ای دارد. کار جهادی هم به همین صورت است، اگر ما به نیت انجام

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»

عملی بدون جهت، کاری را انجام دهیم و قصد بهره برداری دنیوی از آن‌ها داشته باشیم. که برای مثال در آینده پُلی برای کسب مقامات و دست یافتن به جایگاه‌هایی باشد. این در زمره‌ی همان تلاش و کوشش برای مظاهر دنیاست. حتی اگر فرد در این راه جان بسپارند و اسم شهید بر او بگذارند، جایگاه و ارزشی در نزد خدا ندارد.

### ۱-۳-۲- انواع جهاد

جهاد انواع و اقسامی دارد: جهاد علمی، جهاد سیاسی، جهاد مطبوعاتی، جهاد اقتصادی، جهاد نظامی، جهاد آشکار و جهاد پنهان برخی از اقسام آن هستند؛ همه‌ی این جهادها یک نقطه‌ی مشترک دارند و آن هم در تقابل بودن با یک نقطه‌ی خصم است؛ در مقابل یک مانع است.

در تعالیم ادیان آسمانی (به ویژه اسلام) پس از مسئله‌ی خدا، انسان، محوری‌ترین مسئله به شمار آمده و آفرینش جهان، فرستادن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی، برای رسیدن او به سعادت نهایی‌اش صورت گرفته است. بر این اساس است که حضرت امام علیه السلام فرموده‌اند: هر اصلاحی نقطه‌ی اولش خود انسان است.

### ۱-۳-۲-۱- جهاد اکبر

جهاد اکبر، همان جهاد با نفس است. یعنی ما در این جهاد باید با نفس و وسوسه‌های آن مبارزه کنیم و مقابل آن بایستیم. نفس، انسان را وادار به مخالفت با خداوند متعال و سرپیچی از دستوره‌های او می‌کند. ما باید شهوت‌های شیطانی را ترک کنیم و دستوره‌های خداوند متعال را پیروی کنیم. این باعث می‌شود وجودی پاک و عاری از ناشایستی داشته

باشیم. جهاد با نفس، مجموعه تلاش‌ها و اقداماتی است که افراد در راستای تحقق اهداف دینی، سختی انجام آن را جهت پیروی از دستور خدا تحمل می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ۱-۳-۲- جهاد کبیر

در جهاد کبیر بیشتر به این موضوع می‌پردازیم که عرصه‌ی جهاد، مختص به میدان جنگ نیست بلکه همان‌طور که در کلام رهبری هم بارها دیده و شنیده شده مواردی از جمله کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق نیز برای مردم، جهاد محسوب می‌شود. حتی مقام معظم رهبری ایجاد فرهنگ و اندیشه‌ی صحیح در جامعه را نیز جهاد می‌داند.<sup>۲</sup>

در قرآن کریم جهاد کبیر تنها در آیه‌ی «فَلَا تُطِيعُ الْكٰفِرِيْنَ وَ جٰهَدُوْهُمۡ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا»<sup>۳</sup> به کار رفته است: دستوری الهی بر پیامبر اکرم ﷺ است که در فضای مکه برای مقابله با کافران صادر شده است. باتوجه به مکی بودن سوره‌ی فرقان، جهاد به معنای جنگ نظامی نیست زیرا تشریح جنگ (قتال) پس از هجرت، در مدینه و بعد از نیرومندشدن اسلام بوده است.<sup>۴</sup> بلکه مقصود از جهاد کبیر نوعی مقابله‌ی غیرنظامی با کافران است که به نوعی به تقابل در جبهه‌های گوناگون فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... است و اطاعت نکردن از کافران. تقابل در این جبهه‌ها مستلزم رویارویی با سختی‌ها و فشارهای مختلفی است که در راستای تضعیف مقاومت مؤمنان بر آن‌ها وارد می‌شود. این فشارها

۱. طوسی، بی تا: ۵/۲۹۶

۲. بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان، آیه‌ی ۵۲

۴. معرفت، ۱۴۱۵: ق: ۱۳۰/۱-۱۳۱



متناسب با وضعیت و شرایطی که مؤمنان و مستکبران در آن قرار دارند، اعمال می شود.

دین اسلام دارای قواعد کلی در زمینه ی روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی در جهت تأمین عدالت اجتماعی است. آیه ی ۲۵ سوره ی مبارکه ی حدید رسالت اصلی پیامبران را اقامه ی قسط توسط مردم می داند؛ و یکی از برجسته ترین مصادیق اقامه ی قسط و عدالت اجتماعی، حوزه ی اقتصادی و معاملات است. همچنین قرآن کریم دستور داده است غنائم حاصل از فیء<sup>۲</sup> به گونه ای از نظر اقتصادی مدیریت شود که اموال بیت المال بین ثروتمندان دست به دست نشود درحالی که بقیه ی افراد جامعه در فقر و بیچارگی هستند.

برخی از بی شمار آیات در باب مسائل اقتصادی در قرآن به مبحث عدالت اجتماعی و فقرزدایی از جامعه ی اسلامی برمی گردد. این آیات، دلیل بر هدف نهایی بودن مسائل اقتصادی برای انسان نیست، بلکه وسیله ای است برای رسیدن به جایگاهی که آرامش روانی را در جامعه ی اسلامی حاکم کند؛ که جامعه ی اسلامی برای انجام دستورات الهی و تحقق اهداف عالی اسلام آماده شود. زمانی که اقتصاد یک جامعه به حدی رسیده باشد که بتواند در جامعه فقرزدایی کند، دشمن به هیچ شکل نمی تواند مردم را با تحریم و فشارها و توطئه ها از جامعه ی اسلامی دور کند و تأثیرات خود را بگذارد.

---

۱. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»  
۲. فیء برگرفته شده از «فاء یفی» در لغت به معنای بازگشتن است. مراد از آن در اصطلاح فقه اموالی است که بدون جنگ و درگیری از کفار به غنیمت گرفته می شود.

### ۱-۳-۲-۳- جهاد دفاعی

امام صادق علیه السلام می فرمایند که همه ی مردم به ۳ چیز نیازمندند: امنیت، عدالت، فراوانی. همان طور که در این حدیث مشاهده کردیم، «امنیت» یکی از عناصر اصلی مورد نیاز هر فرد و جامعه است. امنیت، بستر ساز بسیاری از فعالیت هایی است که نبود هر کدام از آن فعالیت ها می تواند سرعت رشد انسان ها را کم کند یا جلوی رشد انسان ها را بگیرد.

گفتمان جهادی در دفاع و برقراری از امنیت را می توانیم در قالب های مشارکت مردمی جهت برقراری امنیت، پشتیبانی و تأمین نیازهای خدماتی مدافعین جبهه ها به شکل بسیج مردمی و تلاش شبانه روزی جهت تقویت بنیه ی دفاعی کشور مشاهده کنیم.

### ۱-۳-۲-۴- جهاد توأسی

وقتی شرایط محیطی، شخص، گروه و یا جامعه ای را به شکلی تحت فشار قرار می دهد که زمینه ساز فقدان ایمان، تاب آوری و استمرار حرکت در راه حق می شود، یک عامل خارجی (خارج از انسان) باید با توصیه و دعوت به حق، به تاب آوری، به راه انداختن استعداد های درونی برای حق جویی، حفظ ایمان و استمرار حرکت در راه حق کمک کند. این جهاد را جهاد توأسی می دانیم.

### ۱-۳-۲-۵- جهاد مواسات

برای فهم بهتر این مفهوم، ابتدا باید به مفهوم «مواسات» بپردازیم. مواسات در زبان عربی و فارسی معانی گوناگونی مانند همدلی، یاری کردن،

شریک کردن و شریک شدن با محرومان در مسائلی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند دارد. و در کل در شرایطی به کار برده می‌شود که باید با محرومان همدلی کنیم و با همانندی خود با آنان و شریک کردنشان در زندگی خود به اصلاح و رفع مشکل آنان بپردازیم. و جهاد در این عرصه را مواسات می‌نامیم. و باتوجه به این تعریف، مواسات صرفاً در منابع مالی محدود نمی‌شود بلکه شامل تمامی مشکلات، نیازها و خلأهای جامعه می‌شود.

#### ۱-۳-۲-۶- جهاد خدمت‌رسانی

جهاد خدمت‌رسانی یا اردوهای جهادی همان گفتمانی است که به رفع نیازهای مستضعفین کشور در ابعاد مختلف می‌پردازد. به علت اهمیت و گستردگی این موضوع در ادامه به طور مفصل به آن پرداخته خواهد شد.

گفتمان جهادی؛ گفتمان ناظر بر رفع نیازهای مردم است.

#### ۱-۴- گروه‌ها و حرکت‌های جهادی

در قسمت قبل، تعریف انسان، استضعاف و جهاد بیان شد و مشخص شد که باتوجه به پیچیدگی شخصیت انسان، ابعاد گسترده‌ی استضعاف و به تبع آن انواع مختلف جهاد وجود دارد. گروه‌های جهادی، گروه‌هایی هستند که اقدام به کمک مستضعفین می‌کنند، فعالیت‌هایشان محدود

به زمینه‌ی خاصی از انواع جهاد نیست، و با توجه به توان و نیاز مخاطب مشخص می‌شود؛ البته توأم با ویژگی‌هایی نظیر سخت‌کوشی، سعی مجدانه، خستگی‌ناپذیری و اخلاص و ایثار در عمل است.

گروه‌های جهادی مجموعه‌ای هستند که در آن، پاک‌ترین انسان‌ها، فداکارترین و آماده به کارترین جوانان کشور، در راه اهداف عالی این ملت و برای به کمال رساندن و به خوشبختی نایل کردن این کشور، جمع شده‌اند. مجموعه‌ای که دشمن را بیمناک و دوستان را امیدوار و خاطرجمع می‌کند.

## ۱-۵- جهادگر

فردی است مؤمن به خدای متعال، معتقد به اصول دین و ولایت و دغدغه‌مند که نقشی فعال در جهت کمک به رفع محرومیت و خدمت به ولی نعمتان انقلاب دارد.

## ۱-۶- رویکرد صحیح جهادگران در ورود به مسائل

رویکرد جهادگران در مداخله، باید رشد و توانمندسازی جامعه هدف باشد، نه فقیرزدایی! اگر فقر را در روستایی از بین ببریم، امکان ندارد دیگر در آن روستا فقیر پیدا بشود. از همین جهت باید هدف کار جهادی را فقیرزدایی گذاشت. اگر هدف فقیرزدایی باشد، وقتی حضور در روستا، چشم مردم به دست ماست تا ببینند چه آورده‌ایم. نهایتاً اقلامی داده می‌شود و تمام. این موارد، معیشت خانواده را در کوتاه مدت تأمین می‌کند؛ اما چرخه و ریشه‌های فقر، ثابت خواهند ماند. در عوض، اگر هدف در وهله‌ی

اول، فقرزدایی باشد؛ به آن‌ها آموزش‌های لازم برای گذران معیشت داده می‌شود، و در انجام کارها به آن‌ها کمک می‌شود، مشارکت آن‌ها را جلب، ظرفیت خودشان به کار انداخته، و به سمت توانمندسازی و پیشرفت جامعه حرکت شده است.

باید روحیه‌ی خودباوری و عزت نفس را در مخاطب خود زنده کرد. به شکلی که حتی محرومیت زدایی از ضعیف‌ترین روستاها هم نباید به وسیله‌ی ثروتمندان، بلکه به دست خود محرومین صورت گیرد. این سنت قرآن است. مردم خودشان باید قیام بکنند. انبیای الهی آمدند که خود مردم را به قیام و حرکت وادارند؛ در زمینه‌ی عدالت، صنعت و فناوری و علم و کشاورزی ما باید جامعه را به سمتی ببریم که قیام کنند. قیام، زمانی معطوف به قیام سیاسی بود و یک زمانی هم دفاعی بود. مردم از تماشاگری خارج شدند و قیام کردند. الان هم باید همین اتفاق بیفتد؛ قیام اقتصادی، قیام فرهنگی و قیام علمی و فناوری، قیامی برای فقرزدایی.

حرکت‌های جهادی، همان قیام برای پایان دادن به فقر و استضعاف است. یعنی ما اگر اردوی جهادی می‌رویم، باید برای مردم توضیح بدهیم که ما آمده‌ایم تا شما قیام کنید، روی پای خودتان بایستید. در این صورت، در مرحله‌ی بعد وقتی همه را جمع کنیم، می‌فهمیم چه کاری از دست ما برمی‌آید، چه کاری از دست آن‌ها برمی‌آید، سهم ما چیست و سهم آن‌ها چیست. می‌فهمیم چه دارند و چه ندارند؛ آیا زمین دارند؟ آب دارند؟ و اگر دارند کجاست؟ و چه کم‌وکاستی‌هایی دارند؟ و چقدر می‌توانیم کمک کنیم؟ اینکه آیا با قرض الحسنه مشکل حل می‌شود یا باید کار دیگری کرد؟ باید ظرفیت آن‌ها و ظرفیت منطقه را ببینیم، بعد برای پیشرفت و توانمندسازی با محوریت خودشان، فعالیت کنیم.

## ۱-۷-مدل مدیریت جهادی

وقتی از مدیریت جهادی صحبت می‌کنیم، از یک مدل و الگو برای اداره کردن سخن می‌گوییم. از مدیریت تعابیر مختلفی را می‌شود مطرح کرد. اگر مدیریت را مترادفِ تصمیم‌گیری بگیریم، مدیریت جهادی، می‌شود تصمیم‌گیری جهادی. اگر مدیریت را توانایی کار کردن با دیگران و از طریق دیگران بدانیم، آنگاه مدیریت جهادی، می‌شود توانایی کارکردن با دیگران به نحوه‌ی جهادی و از طریق دیگران بازم به نحوه‌ی جهادی. آن وقت مدیر جهادی را هم می‌توانیم تعریف کنیم.

## ۱-۸-مدیر جهادی

مدیر جهادی کسی است که دارای چند ویژگی است. یکی از ویژگی‌های آن ایمان عمیق است. مدیر جهادی احساس تکلیف می‌کند و خودش را متعهد می‌بیند. خودش را هدفمند می‌بیند. مدیر جهادی خطرپذیر است و اهل ورود به میدان‌های نو و دست نخورده است. مجاهد و مدیر جهادی رفتارش مستمر، همه‌جانبه، هوشمندانه و مخلصانه است. منتظر نیست تا دیگران ببینند یا گزارش تهیه کنند و فیلم درست کنند، وقتی ورود پیدا می‌کند، کار را رها نمی‌کند و ادامه می‌دهد.

ویژگی مهم مدیر جهادی، خودباوری و اعتماد به نفس و اعتماد به کمک الهی است. در همه‌ی کارها باید به خداوند و معصومین توکل کرد و از این بزرگواران استمداد کرد. وقتی به این‌ها توکل می‌کنیم و استمداد می‌طلبیم، باید اعتماد کنیم که راه‌هایی جلویمان باز می‌شود و در مقابل، یکسری موانع وجود دارد. اصلاً با وجود این موانع است که جهاد معنا پیدا می‌کند، اگر مانعی نبود که تلاش و کوششی صورت نمی‌گرفت

که جهادی باشد یا خیر.

مرحوم حسین علی عظیمی نماد خودباوری و اعتماد به نفس در مسیر خدمت رسانی، الگویی مناسب برای ما در مسیر خدمت به مردم می باشد. مرحوم عظیمی در عین حال که اعتقاد کاملی به شیوه های مدیریت جهادی و کار جهادی برای کشور داشت و تمام تفکرش بر این مبنا شکل گرفته بود، ولی از برگشت به عملکردها، تحلیل آنها و حتی اگر لازم بود تجدیدنظر و بیان نقطه ضعف های آنها ابایی نداشت. ایشان، همواره هم در حال بازنگری، تجدیدنظر و در واقع به سازی روش ها و چارچوب هایی بود که بر اساس آن عمری را کار و تلاش کرده بود و آنها را برای کشور مفید می دانست.<sup>۱</sup>

## ۹-۱- تأثیرات کار جهادی

اولین فایده ی فعالیت جهادی، خدمت به مردم است؛ که ما برای آن رنج سفر را به دوش می گیریم و می رویم به مناطقی اغلب صعب العبور دارند. این سختی ها دستاورد بزرگی دارد؛ ما می توانیم خودمان را پیدا کنیم و حقیقت واقعی خودمان را کشف کنیم. می فهمیم چه کسی هستیم، مشکلات مان کجاست و چه نارسایی هایی داریم. پس اولین

فلسفه‌ی کارهای جهادی خودسازی و انسان‌سازی است؛ که نه تنها برای آخرت، بلکه در زندگی شخصی افراد هم مؤثر است. درصد قابل توجهی از آدم‌های بزرگ و قهرمانانی که ما در طول تاریخ داشتیم، سبک زندگی جهادی داشتند. کسی در آسایش و رفاه ساخته نمی‌شود. انسان در سختی‌ها و ابتلیات است که ساخته می‌شود. حال اگر این سختی در راه خدا باشد، هم آخرت و هم دنیای انسان حاصل می‌شود.

ما باید از این بابت مطمئن باشیم که چندین برابر زحمتی که در این مسیر متحمل می‌شویم را خداوند در زندگی خودمان جبران می‌کند. و نهایتاً این ما هستیم که استفاده می‌کنیم.

ما با این کار به انقلاب مان بُعد سازندگی می‌بخشیم و نه فقط سازندگی. آن روستا یا آن جاده یا آن پل یا آن خاکریز، بلکه از آن بسیار مهم‌تر، سازندگی انسان‌هایی که آن پل را و آن خاکریز را و آن جاده را می‌سازند، این مهم است.

امام خمینی

۱۳۶۱/۶/۱۵



جهاد حضورش در سراسر روستاهای کشور خودش يك  
کار فرهنگی است. کار فرهنگی همه اش که بازکردن  
کتاب و خط بردن و الفبا یاد دادن نیست؛ کار فرهنگی  
یعنی اینکه کسی بتواند به مخاطبین خودش و به  
انسان هایی که درمقابل او هستند اخلاق اسلامی را  
نشان بدهد.

امام خمینی

۱۳۶۵/۳/۲۵



# فصل دوم

جهادی، بازوی عدالت محوری



## مقدمه

اسلام در پی ریزی اصل عدالت، خطوط روشنی ترسیم می‌کند و شرایطی را برای ما فراهم می‌کند که تحول و تکامل عدالت را تا مرز بی‌نهایت امکان پذیر می‌سازد. از جمله‌ی این خطوط روشنی که برای ما در نظر گرفته شده، مسئولیت ما برای تحقق عدالت است. امام خمینی رحمت‌الله علیه جهاد (سازندگی) را شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه‌ی کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی می‌داند و در سالگرد تأسیس جهاد سازندگی این ارگان را این‌گونه توصیف می‌کند:

با تأسیس این ارگان عظیم، انقلاب اسلامی ما توانست به دورافتاده‌ترین مناطق کشور راه یابد و رسالت تاریخی و اسلامی خود را با تمام کارشکنی‌ها به اقصی نقاط کشور برساند ... باید اعتراف کرد که اینان بزرگ‌ترین آبرو را به انقلاب اسلامی خود داده‌اند و با تعهد به اسلام و ایمان به خدای تعالی در این راه بهترین نمونه و الگو برای همه‌ی جوانان مسلمان و متعهد اسلامی گردیدند.<sup>۱</sup>

## ۲-۱- تعریف عدالت

عدالت در معنای عام خود به معنای قراردادن هر چیز در جای خود است. عدالت نقطه‌ی مقابل ظلم است، نقطه‌ی مقابل تبعیض. عدالت مقدس‌ترین مقدسات بشر است. لاقبل در مقدسات اجتماعی از قبیل آزادی و مساوات و ...، از همه مقدس‌تر است زیرا تأمین‌کننده‌ی همه‌ی آن‌هاست. مقام و قداست عدالت تا آنجا بالا رفته که پیامبران الهی برای آن مبعوث شده‌اند تا مردم را به اقامه‌ی قسط هدایت کنند. همچنین جایگاه این مفهوم در تشیع به قدری بالاست که یکی از پنج اصول مذهب تشیع است. عدالت را ۳ جور می‌توانیم تفسیر کنیم:

### • توازن

اگر عدالت را توازن و هماهنگی در نظر بگیریم؛ عدل مساوی می‌شود با نوعی زیبایی، چون زیبایی نوعی توازن است. همان‌طور که انسان اگر اعضایش متناسب باشد زیباست، در اجتماع نیز مانند بدن باید تعادل برقرار باشد؛ از لحاظ حقوق، وظایف و مواهب و ... و اگر نه ناهمواری پیدا می‌شود. عدل، توازن و تعادل مزاج اجتماع است.

### • مساوات

یکی از اصول ایدئولوژی اسلامی مساوات و رفع تبعیض است. از نظر اسلام، انسان‌ها برحسب گوهر ذات برابرند و بر همین اساس، رنگ، خون، نژاد و قومیت و ... ملاک برتری نیست. اما مقصود از مساوات چیست و مساوات در چه؟ آیا هر نوع تفاوت در بین افراد جامعه مخالف عدالت است و لازمه‌ی عدالت، مساوات مطلق است؟

مقتضای عدالت این است که تفاوت‌هایی که خواه ناخواه در اجتماع هست تابع استعدادها و لیاقت‌ها باشد. معنای عدالت این نیست که همه‌ی مردم در رنج و زحمت و کار یکدیگر شریک باشند. آنجا که پای حقوق اکتسابی به میان می‌آید، چاره‌ای از تبعیض نیست. قانون عادلانه، قانونی است که شرایط یک مسابقه و حرکت تکاملی عملی را به طور متساوی برای همه فراهم کند.

## • رعایت استحقاق

عدالت مطلق عبارت است از اعطای حق به صاحب حق و در این صورت عدل مقابل ظلم است. عدالت به معنای مساوات و توازن در حوزه‌ی اجتماع، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. ولی عدالت به معنای رعایت استحقاق، هم در حوزه‌ی اجتماع و هم در قلمروی فردی اعتبار پیدا می‌کند. زیرا هیچ‌وقت اجتماع متوازن نمی‌شود مگر که حقوق همه‌ی افراد رعایت شود و حق اجتماع هم رعایت شود.

## ۲-۲- عدالت در ابعاد فردی و اجتماعی

بعد از بیان تفاسیر مختلف از عدالت حال باتوجه به لزوم تشریح بیشتر موضوع و اهمیت آن به تعریف عدالت در بُعد فردی و اجتماعی می‌پردازیم.

## ۲-۲-۱- عدل فردی (اخلاقی)

قرآن از انسان اخلاقی به عنوان انسان «صاحب عدل» نام می‌برد و ریشه‌ی اخلاق را عدل به معنای توازن می‌داند چون اخلاق یعنی حالت موازنه میان مجموع استعدادهای انسانی. قرآن نام فساد اعمال و اخلاق را ظلم به نفس می‌داند. گناه، بهم خوردن تعادل فردی است و این یک وجه شبیه بین فرد و جامعه است. جامعه هم خودی دارد و ظلم به نفس می‌کند.

## ۲-۲-۲- عدالت اجتماعی

عدالت معنای وسیعی دارد و ورای مفهوم فردی، شامل حقوق اجتماعی نیز هست. عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص «منصفانه» منابع در یک جامعه است. عدالت یک اصل اجتماعی بزرگ اسلامی است و اسلام به آن فوق‌العاده اهمیت داده و آن را یک وظیفه‌ی اجتماعی بزرگ می‌داند.

## ۲-۳- چرایی و ضرورت اجرای عدالت

در این قسمت به تبیین ضرورت اجرای عدالت می‌پردازیم. محورهای ذیل، متناسب با ضرورت‌هایی انتخاب شده‌اند که یک جامعه برای رسیدن به تعادل و موفقیت به آن نیازمند است.



## ۲-۴-راز ماندگاری و موفقیت هر نظام اجتماعی

بنابر دیدگاه الهی، در مجموع آفرینش، عدالت ریشه‌ی تکوینی و طبیعی دارد و هر جامعه زمانی کامیاب است که خود را با قوانین آفرینش و سنت‌های الهی - که تغییر و تبدیل ناپذیر است - تطبیق دهد. از آنجا که عدالت در بنیان عالم و آفرینش نقش اساسی دارد، یعنی سنت آفرینش، عدل است، هر نظام اجتماعی اگر به دنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرد، ماندگار و موفق و کامیاب است.

## ۲-۵-لازمه‌ی شکل‌گیری جامعه‌ی اسلامی

جامعه، بدون تأمین عدالت اجتماعی، اسلامی نخواهد بود. اگر کسی تصور کند که دین الهی و واقعی (نه فقط دین اسلام) تحقق پیدا می‌کند، درحالی‌که در آن عدل اجتماعی به معنای صحیح و وسیع آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند. هدف پیامبران، اقامه‌ی قسط است. البته اقامه‌ی قسط یکی از منزل راه است و هدف نهایی نیست؛ لیکن آن‌ها که آمدند، کار اولشان این است که اقامه‌ی قسط کنند و مردم را از شر ظلم و جور طاغوتیان و ظالمان نجات دهند، هدف حکومت ولی عصر در آخرالزمان هم باز همین اجرای عدل است.

## ۲-۶-عامل رفع بدبختی جوامع انسانی

زندگی انسانی بدون عدالت همان چیزی است که شما در زشت‌ترین چهره‌های تاریخ بشر مشاهده می‌کنید. همه‌ی بدبختی‌هایی که شما در جوامع مختلف می‌بینید، ناشی از ظلم و بی‌عدالتی است. ممکن است

ظاهر امور این را نشان ندهد؛ اما باطن قضیه، این است. اگر می‌شنویم در گوشه‌ای از عالم کودکی از گرسنگی جان خود را از دست می‌دهد، ظاهر قضیه به دلیل خشکسالی است، اما باطن قضیه بی‌عدالتی است. اگر عدالت از نسل‌های گذشته بر این جامعه و به‌طورکلی عدالت بر محیط زندگی بشر حکم فرما بود انسان می‌توانست در سایه‌ی استقرار عدالت، محیط زندگی خود را طوری بسازد که برای او قابل زیست باشد و فرزند او به آن فلاکت نیفتد و زندگی، این قدر دردآور نشود.

## ۲-۷- لازمه‌ی رفع محرومیت

عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد؛ همچنان‌که امروز در بسیاری از کشورها ملاحظه می‌شود که تولید بالاست، کارخانه‌های بزرگ مشغول کارند، ثروت تولید می‌شود؛ اما محرومیت در آن کشورها هست؛ از جمله همین کشورهای پیشرفته اروپایی و غربی. آنچه که از این کشورها در تلویزیون‌ها و از پشت دوربین‌ها به ما نشان می‌دهند، جاهای خویش است. محلات فقیرنشین و زندگی‌های تلخ و گرسنگی‌ها و محرومیت‌ها و حسرت‌ها را که نشان نمی‌دهند؛ ساختمان‌ها و خیابان‌های عالی و باغ‌های بزرگ و امثال این‌ها را نشان می‌دهند!

ما که این را نمی‌خواهیم. ما در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی‌خواهیم؛ ما رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی را می‌خواهیم. البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آنجایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و درعین حال جامعه به رفاه و برخورداری لازم نخواهد

رسید. اگر عدالت اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد.

عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام بزرگوار است. پرکردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت ماست.

## ۲-۸- حفظ دین در اقشار جامعه

در احادیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام رسیده است که فقر نزدیک به کفر، بلکه بخشی از کفر، بدبینی و ترک عمل به دین است. پس باید عاملی که موجب خروج از دین و بی‌ایمانی است در جامعه‌ی اسلامی وجود نداشته باشد و روشن است که فقر بدون اجرای عدالت ریشه‌کن نمی‌شود. اگر مردم در اقتصاد و معیشت یکپارچه شدند و به نوعی به وحدت مطلوب اسلام رسیدند، در سیاست هم یکپارچه می‌شوند.

## ۲-۹- اصلاح اجتماعی

امام علی علیه السلام می‌فرماید: توده را جز اجرای عدالت اصلاح نمی‌کند. و خداوند سبحان، اصلاح و سامان‌یابی جامعه‌ی انسانی را در گرو اجرای عدالت قرار داده است. در همین راستا بعضی افرادی که برای اجرای عدالت ایجاد اصلاحاتی در جامعه را پیش‌نیاز می‌دانند باید به این امر و همراهی عدالت برای اصلاح اجتماعی توجه داد.

## ۲-۱۰- برادری اسلامی

قرآن کریم در آیه ی ۱۰ سوره ی مبارکه ی حجرات می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» برادری در میان مردم، افراد و خانواده ها در صورت تحقق پیدا می کند که عدالت به اجرا گذاشته شود و همگان به زندگی متناسب و برخوردار از حقوق مختلف خویش در زندگی و رسیدن به کمال و سعادت الهی دست یابند.

اما ترک عدالت و حضور تفاوت های فاحش در برخوردار از مواهب زندگی محرومیت به دنبال خود می آورد و این محرومیت مادی موجب محرومیت فرهنگی و معنوی می شود و مجموع این محرومیت ها، برادری به ارمغان نخواهد آورد.

## ۲-۱۱- تکاثر زدایی

تکاثر در اسلام به معنای مال اندوزی، زیاده طلبی و تفاخر به ثروتمندی است که از نظر قرآن کریم و احادیث اسلامی یک پدیده ی ضد ارزشی بسیار قوی است و یکی از عوامل ویرانگر بنیاد دین و انسانیت و رشدهای انسانی و فضیلت های اخلاقی است. امام صادق علیه السلام در حدیث «جنود عقل و جهل» تکاثر را یکی از سپاهیان و عوامل فعال جهل و جاهلیت می داند که جامعه را به سوی ارزش های ضد اسلامی دوران جاهلیت سوق می دهند.

## ۲-۱۲- نیازهای عمومی جامعه

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: جامعه به ۳ چیز نیاز دارد: امنیت، عدالت و فراوانی.<sup>۱</sup> بدون اجرای عدالت، هیچ فعالیت اجتماعی به سامان نمی‌رسد، و زمینه‌ی رشد انسان فراهم نمی‌شود. البته برطرف کردن ۲ نیاز دیگر نیز رابطه‌ی ناگسستنی با عدالت دارد.

## ۲-۱۳- سلامت جسمی و روانی جامعه

با نشاط بودن و فعال بودن جامعه، با تمام توان و استعداد، وابسته به مسائلی از جمله، سلامت و قدرت جسمی افراد است. در واقع جامعه مثل یک ساختمان است. به هر اندازه که تک تک مصالح به کار رفته در این ساختمان سالم، مقاوم و مفید باشد آن ساختمان هم محکم و مقاوم است. افراد جامعه، مصالح متفاوت ساختمان جامعه اند از این رو باید سالم و قوی باشند و این متوقف بر تغذیه‌ی سالم، بهداشت مناسب، فرهنگ بالا و فرصت کافی برای استراحت و تفریح است و فراهم شدن این شرایط جز با اجرای عدالت امکان‌پذیر نیست.

یک عامل دیگر که برای با نشاط و فعال بودن جامعه و تولید آثار مفید و عرضه‌ی کار خوب و سالم لازم و ضروری است و اولویت بیشتری نسبت به سلامت و قدرت جسمانی دارد، سلامت روحی و تعادل روانی افراد است. افراد هر جامعه باید از عوامل برهم‌زننده‌ی تعادل روانی همانند اضطراب، ناکامی و تعارض، تبعیض و محرومیت در امان باشند تا بتوانند هرکدام در جای خود و شغل و کار خود، مفید و منشأ اثر باشند. باتوجه به رابطه‌ی شاخه‌های مختلف عدالت همچون سیاسی، قضائی،

۱. علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۴، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ.ق، به نقل از تحف العقول.

اجتماعی، اقتصادی، آموزشی و ... با سلامت روانی جامعه، ضرورت اجرای عدالت برای بهبود این امر احساس می شود. پیامبران و معصومین علیهم السلام از جهت این که بیشترین شناخت از جسم و روح انسان را داشتند و عوامل اصلاح و فساد او را می شناختند بر حضور عدل و قسط در جامعه تأکید زیادی داشتند.

## ۲-۱۴- تقویت نیروی خرد در اجتماع

قرآن کریم بر اهمیت عقل و خرد و استفاده از آن بسیار تأکید کرده. جامعه نیز باید خردمند باشد و از نیروی خرد قوی و فعال برخوردار باشد. در واقع اجتماع نیاز به عقلانیتی قوی دارد و این عقلانیت چندجانبه جز از طریق اجرای عدالت و تأمین سلامت جسمی و روانی جامعه به دست نمی آید.

## ۲-۱۵- اقتدار حاکمیت و اعتماد مردم به آن

ضرورت اجرای عدالت برای این محور را با توصیه ای از امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مالک اشتر و حدیثی از امام رضا علیه السلام بیان می کنیم که این دو حدیث خود گویای عمق ضرورت اجرای عدالت برای این محور هست. امام رضا علیه السلام: هنگامی که حاکمیت ها ستم کنند، ارکان حکومت شان سست می گردد. امام علی علیه السلام در عهدنامه چنین می فرماید: هنگامی می توانی به اعتماد مردم به حکومت تکیه کنی، که آنان را از اجرای عدالت خاطر جمع ساخته باشی.

## ۲-۱۶- حرکت های جهادی، ابزار گسترش عدالت

یکی از ویژگی های حرکت های جهادی این است که این حرکت ها، جریانی عدالت خواه است. این را در بیانات حضرت آقا خطاب به بچه های جهادی می شود دید؛ که آن ها را به عنوان جریانی عدالت خواه معرفی می کند. نکته ای که در عین حال این که از اهمیت زیادی برخوردار است کم تر به آن توجه شده است.

یک مدل عدالت خواهی این طور است که شما امر به معروف و نهی از منکر یا به تعبیری مطالبه گری می کنید، که خیلی هم خوب و لازم هست. اما یک سبک دیگر از عدالت خواهی این است که تلاش کنید عدالت خواهی در جامعه به دست مردم اقامه شود؛ «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۱</sup>. عدالتی که به عنوان هدف انبیا و رسل در آیات آمده است، عدالتی هست که به دست خود مردم محقق می شود. یعنی امام جامعه نمی آید عدالت را پیاده بکند؛ می آید عدالت را به دست مردم پیاده کند. در این مدل اجرای عدالت به زور نیست؛ در واقع حرکتی توسط عموم مردم هست، برای همین سخت هست. یک جایی حضرت آقا می گویند که اگر می خواهید عدالت در جامعه شکل بگیرد اول باید یک اتفاق فرهنگی را رقم بزنید. چون مردم دستشان در کار هست، اگر دست مردم در کار نباشد شما اصلاً به فکر فرهنگ نمی افتید که بخواهید با فرهنگ حرکتی عدالت خواهانه اجرا کنید.

حال، جهادی چطوری عدالت خواه هست؟ اردوی جهادی برای پیاده کردن عدالت خواهی توسط مردم در جامعه ایده دارد؛ می گوید منسجم بشوید، فضای معنوی و خدمت رسانی شکل بدهید و تلاش کنید این حرکت را توسعه بدهید. اگر این اتفاق در جامعه زیاد بشود و مردم

۱. سوره ی مبارکه ی حدید، آیه ی ۲۵: همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

خودشان به حال هم رسیدگی کنند، به مرور زمان طبقه های اجتماعی و اختلافات چشمگیری که در جامعه امروز ما واقعاً مایه ی خجالت هست، از بین می رود.

از هر زاویه ای به هیولای چند ضلعی ظلم و فاصله ی طبقاتی نگاه کنی پیچیده هست و آن چیزی که هم، دولت را تغییر می دهد و هم خودش بار را برمی دارد که قصه حل شود، مردم هستند. و این بلوغ استفاده از مردم برای اردو جهادی هست.<sup>۱</sup>

## ۲-۱۷-وظایف حرکت های جهادی در حوزه ی عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر

رهبر انقلاب اساس اصلاحات را مبارزه با فقر و تبعیض و فساد دانسته و واقعی بودن اصلاحات را منوط به در برگیری این ۳ عنصر می دانند. همچنین امام علی علیه السلام عدالت را یک تکلیف و وظیفه ی الهی، بلکه یک ناموس الهی می داند؛ هرگز روا نمی شمارند که یک مسلمان آگاه به تعلیمات اسلامی، تماشاچی صحنه های تبعیض و بی عدالتی باشد. حال ما به توجه به مأموریت خود در حرکت های جهادی به بررسی کم و کیف وظایف مان در راستای مبارزه با فقر می پردازیم. در ابتدا چرایی ضرورت مبارزه با فقر را باهم مرور می کنیم و در ادامه با عرصه های مبارزه با فقر آشنا خواهیم شد.

مبارزه با فقر و مجاهدت در راه زدودن غبار محرومیت از چهره ی محرومان و مستضعفان، وظیفه ای همگانی است. یکی از نشانه های تکذیب دین این است که انسان درمقابل فقر فقیران بی تفاوت باشد و

۱. سخنرانی آقای مهدیان در رسم جهاد، ۱۳۹۹



احساس مسئولیت نکنند. «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ \* فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ \* وَلَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ». <sup>۱</sup> به همین سبب هر کاری در کشور صورت می‌گیرد، با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم باشد؛ نه بخشی از مردم و قشرهای خاص. در چنین فضایی است که مردم می‌توانند به اهداف والای نظام اسلامی یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی دست پیدا کنند؛ فضایی که خیرات جامعه به نحوی صحیح میان مردم تقسیم شود؛ هرکس استعداد خود را به صحنه آورد و بهره‌ی آن را ببرد و نظام و حکومت مراقب باشد که هم به کسی ظلم نشود و هم هیچ‌کس محروم نماند.

معنای ریشه‌کنی فقر این است. آنجا که دین خدا حاکم است، نباید محرومیت باشد. انسان‌ها باید از مواهب الهی برخوردار شوند تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند. عدل در جامعه باید مستقر شود؛ این، شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است.

اسلام در قبال مسئله‌ی مهم فقر و فقیر از یکایک ما مسلمانان احساس مسئولیت خواسته است و بر دوش ما وظایفی نهاده است. البته علاج فقر به شکلی اصولی، در هر جامعه‌ای از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است. این، وظیفه‌ای دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه‌ی خود، وظیفه‌ی سنگینی به عهده دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت امکان‌پذیر است اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه‌ی خود مردم و همه‌ی کسانی که می‌توانند در این راه تلاش کنند است. مردم در انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های آن نقش بی‌بدیلی داشتند به نوعی که

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی ماعون

در صورت عدم فعالیت و حضور ایشان مسائلی در کشور هیچ‌گاه به سمت حل شدن نمی‌رفت.

## ۲-۱۸- گروه‌های جهادی و وظیفه‌ی امت در برابر امامت

امام علی علیه السلام در خطبه‌ی ۳۴ نهج البلاغه حقوق امت و امامت را در برابر یکدیگر برشمردند و از جمله حقوقی که در برابر امامت بر دوش امت است، به اطاعت در اوامر و پاسخ دادن هنگام فراخواندن اشاره کردند. در همه‌ی زمان‌ها امت‌ها به دستورات امام و رهبر خود به نوعی پاسخ دادند و کیفیت پاسخ دادن به آن، سرنوشت و ادامه‌ی مسیر جامعه را رقم زده است.

گروه‌های جهادی، با توجه به تأکیدات امام رحمت‌الله علیه و رهبری در زمینه‌ی محرومیت زدایی و توانمندسازی مستضعفین و همچنین اشاره و تأکیدات مکرر آن‌ها بر استفاده از ظرفیت‌های مردمی در این راه ایجاد شده‌اند و باید با سازمان دهی و تشخیص مسئله در زمان و مکان مدنظر، به ادای این امر اقدام کنند؛ تا علاوه بر تجلی اوامر ولی، در راستای بهبود زندگی انسان‌ها و ایجاد بستر رشد مناسب کمکی کنند و به جامعه‌ای دینی نزدیک و نزدیک‌تر شویم.

# فصل سوم

سیر تطور حرکت های جهادی



## مقدمه

جهاد از ابتدای انقلاب در دو زمینه‌ی دفاعی و سازندگی تبلور پیدا کرد و به مرور به بلوغ و اوج خود رسید. باتوجه اهمیت جهاد سازندگی و مسیر طی شده در آن و با هدف فهم دقیق‌تر هویت، چرایی و نقاط قوت و ضعف حرکت‌های جهادی، خلاصه‌ی روند شکل‌گیری و تغییرات حرکت‌های جهادی در این سال‌ها را باهم مرور می‌کنیم و در ادامه به بررسی جهاد سازندگی می‌پردازیم.

## ۳-۱- شکل‌گیری جهاد سازندگی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و لزوم تغییر روابط اقتصادی، نظامی، و اداری گذشته به روابطی با ضوابط اسلامی، تغییراتی در ساختار و تشکیلات اداری، اقتصادی و نظامی کشور ایجاد شد که منجر به تأسیس نهادهایی مانند:

- کمیته‌ی انقلاب اسلامی، برای حفاظت از محله‌ها؛
- دادگاه انقلاب اسلامی، برای محاکمه‌ی سران رژیم سابق؛
- بنیاد مستضعفان، برای سرپرستی اموال مصادره‌شده از

## سران و وابستگان رژیم سابق و صرف آن در راه مستضعفین و محرومان؛

- و جهاد سازندگی برای زدودن چهره‌ی محرومیت از روستاها و بردن ارزش‌ها و فرهنگ‌های انقلاب اسلامی به آن مناطق و کنارزدن الگوی توسعه‌ی رژیم پهلوی که روستا و روستائیان در آن جایگاهی نداشتند، شد.

رویکرد نظام اقتصادی رژیم پهلوی ترویج شهرنشینی بود، اضمحلال سیستم کشاورزی در روستاها، افزایش قیمت جهانی نفت در دهه‌ی ۵۰ و نیاز کارخانه‌ها به نیروهای کار ارزان و کمبود یا نبود امکانات اولیه‌ی زندگی. مانند آب آشامیدنی سالم، برق، راه و خدمات بهداشتی. در روستاها همگی دست به دست هم داد تا علاوه بر وارد شدن لطمه‌های بزرگ به کشاورزی و بافت اجتماعی روستا، باعث بیکاری و مهاجرت گسترده‌ی روستائیان به شهر و رشد حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی شود.

پس از پیروزی انقلاب با بازشدن دانشگاه‌ها گروه‌هایی از دانشجویان در قالب تشکل‌ها و نهضت‌هایی فعالیت‌های انقلابی خود را در دانشگاه‌ها آغاز و فعالیت‌های ساده و اولیه‌ای در این زمینه انجام دادند. هم‌زمان با این گروه‌ها گروه‌های دیگری هم بودند اما انسجام تشکیلاتی و آینده‌نگری این گروه‌ها را نداشتند. بعد از دیدار این گروه‌ها ذیل پرچم انجمن اسلامی دانشجویان با امام خمینی، با هماهنگی دولت موقت در خواباندن آتش جنگ‌های جدایی طلبانه در قالب گروه‌های ۱۰ نفره‌ی دانشجویی وارد عمل شدند. بعد از فعالیت ۲ یا ۳ ماهه‌ی این گروه‌ها در این مناطق به این جمع‌بندی رسیدند که فتنه‌های گروهک‌های جدایی طلب، اعتماد مردم به انقلاب را هدف گرفته و با

برجسته کردن ضعف های اقتصادی و رفاهی در آن مناطق - مخصوصاً روستاها - اعتقاد مردم را نسبت به آرمان های انقلاب سست می کنند و ضعف خدمت رسانی به روستاها را مهم ترین زمینه ی سوءاستفاده ی گروهک های جدایی طلب بیان کردند.

پس از مشاهده ی محرومیت ها و همچنین حرکت مسلحانه ی برخی از گروه های معاند نظام، با نظرخواهی از دانشگاه های کشور طرح اولیه ی تشکیل سازندگی را به وسیله ی شهید بهشتی به امام ارائه می دهند و امام خمینی ۴ ماه پس از سقوط رژیم پهلوی با صدور فرمانی خواستار آن شد تا ارگانی برای رفع محرومیت ایجاد شود. این پیام امام، یک پیام دستوری و بالا به پایین نبود بلکه محصول یک درخواست جریان دانشجویی بود که به امام گفته شد و ایشان برای پر کردن خلئی اساسی - با استفاده از ظرفیت مردمی - آن را صادر کردند.

جهاد سازندگی مانند اکثر نهادهای انقلابی ایده و انگیزه ای بزرگ را در خودش برای کارکردن داشت، اما حدود و وظایف مشخص و قطعی نداشت و در همه ی ابعاد کار می کرد. در روستاها به کار در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می پرداخت و در روند کار خود اگر با مسئله ای برخورد می کرد، شروع به حل کردن مشکل می نمود. به مرور زمان با اضافه شدن تجارب و جمع بندی هایی که از کارهای جهاد به دست می آمد، حیطه ی وظایف به این ترتیب مشخص می شد که به اصلی ترین و عمده ترین مسائلی که می تواند در زندگی روستایی و بالا رفتن تولید در روستاها اثر بگذارد، توجه کند و اولویت های کار خودش و جهت گیری افرادش و امکاناتش را منطبق با این نیازها کند.

رویکرد جهاد سازندگی تلاش در صحنه های مختلف اقتصادی اجتماعی با مشارکت فعال مردم بود. این سازمان با تلاش های مستمر و بی وقفه ی جهادگران در صحنه های سازندگی، بهره گیری از عناصر فعال

و مخلص، تکیه بر توانایی‌های مردم در حل مشکلات و از همه مهم‌تر حضور در همه‌ی عرصه‌های سازندگی و توسعه، در مدت بسیار کمی به مجموعه‌ای کارساز، کارآمد و پرتوان تبدیل شد که امکان فعالیت برای مدتی طولانی به جهت رفع مشکلات را داشت. در اساسنامه‌ی جهاد آمده است: جهاد سازندگی با اعتقاد به رشد و تعالی انسان به عنوان هدف نهایی توسعه، مشارکت جدی مردم در مراحل مختلف را برای کارایی هرچه بیشتر برنامه‌ها و بروز استعدادها و خلاقیت‌ها ضروری می‌داند.

جنگ تحمیلی زمینه‌های فعالیت‌های جهاد را متحول کرد. وظایف جهاد در دوران دفاع مقدس پشتیبانی امور مهندسی جبهه به وسیله‌ی گردان‌های مهندسی رزمی و بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده بود. پل خیبر که طولانی‌ترین پل شناور جهان بود، کار جهاد بود. ایجاد خاکریز و ساخت سنگرها از جمله مواردی بود که در پیروزی رزمندگان اثر داشتند و از این باب بخشی از پیروزی‌ها را حاصل خدمات جهادگران می‌دانند. بعد از این بازه بود که امام خمینی آنان را «سنگرزبان بی‌سنگر» نامید.

اسلام‌گرایی و دین‌محوری، انعطاف‌پذیری، مردمی‌بودن، اعتقاد متقابل در تمام سطوح سازمانی، اخلاص، کمک به محرومان، قانون‌مداری، ولایت‌محوری، هماهنگی در مسیر هدف، خودسازی، را از جمله ویژگی‌های این سازمان می‌دانند.

### ۳-۲- اهداف و آرمان جهاد سازندگی

جهاد سازندگی سازمانی برخاسته از آرمان‌های انقلاب و در جهت حل مشکلات مردم محروم و مستضعف بود. به همین دلیل شناخت این اهداف و آرمان‌ها، می‌تواند کمک قابل توجهی به درک نحوه‌ی عملکرد



و ساختار این سازمان بکند. در جهاد، جهت‌ها یکی بود ولی هرکس هدفی متفاوت را دنبال می‌کرد؛ یعنی همه‌ی اهداف دارای روحی مشترک بود که منشأ آن روح مشترک فرمان امام خمینی مبتنی بر خودکفایی و رفع محرومیت در زمینه‌های مختلف بود. شعار جهاد سازندگی «همه باهم» بود. این شعار از فرمان امام خمینی برای تأسیس جهاد سازندگی که تأکید بر مشارکت همه‌ی اقشار بود، شکل گرفت. در تاریخ توسعه‌ی دنیا این شعار با جهاد سازندگی متولد شد که به گفته‌ی سازمان‌هایی از سازمان ملل متحد، برترین شعار توسعه‌ی دنیا بوده.

### ۳-۳- رسم جهاد

در شکل‌گیری ابتدایی جهاد، حضور داوطلبانه‌ی مردم بسیار چشمگیر و اثرگذار بود. به شکلی که مردم با توانایی‌ها و تخصص‌های مختلف اعلام آمادگی می‌کردند و هرکس گوشه‌ای از کار را می‌گرفت تا کارها به سرانجام برسد. در ادامه‌ی راه، شورای عالی انقلاب تصویب کرد که ادارات و نهادهای دولتی، امکانات مورد نیاز را در اختیار جهاد قرار دهند.

از نظر جهادگران جهاد سازندگی، انسان مهم‌ترین بخش در سازندگی بود و تمامی فعالیت‌ها در راستای بالا کشیدن و رشد دادن انسان بود. جمله‌ی «آموزش جهاد در حین کار بود» در آن دوران بسیار فراگیر شده بود. چون اعتقاد داشتند وقتی به مدیر اختیار می‌دهی، تمام آنچه را که می‌خواهد یاد بگیرد، چند برابر سریع‌تر از زمانی یاد می‌گیرد که بخواهد در دانشکده‌ی مدیریت بخواند، حتی شهید بهشتی اعتقاد داشتند بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قسمت جهاد، مدیرانی هستند که تربیت می‌کند.

مرحوم حسین علی عظیمی در تبیین تفاوت‌های جهاد با دیگر اداره‌های کشور به این نکته اشاره دارد که اداره‌ها با قوانین و آدم‌هایش تشکیل شده و اکثراً باتوجه به اهداف، قانون‌گذاری نمی‌شوند و یا نمی‌توانند در راستای اهداف، قوانین خود را تغییر دهند؛ اما در جهاد سازندگی نیروها از این قیود اداری رها بودند و بروکراسی داخل جهاد به شکلی بود که ساختار در راستای رسیدن به هدف ایجاد می‌شد.

### ۳-۴- ساختار جهاد سازندگی

جهاد سازندگی در ابتدا از یک شورای مرکزی ۴ یا ۵ نفره تشکیل شد. افراد حاضر در آن: نماینده‌ی نخست‌وزیری، نماینده‌ی امام، مدیر اجرایی، مسئول روابط عمومی و امور استان‌ها بودند. اعضای جهاد حاضر در شورای مرکزی توسط مجمع خبرگان که متشکل از باتجربه‌های جهاد در استان‌های مختلف بودند مشخص می‌شدند.

ساختار شورا در استان‌ها و در شهرستان‌ها هم تقریباً همین‌گونه بود؛ ولی در بعضی استان‌ها ممکن بود که برحسب نیاز بعضی از معاونت‌ها باشد و یا نباشد. امور استان‌های شورای مرکزی جهاد کشور، لیستی از افراد پیشنهادی برای هر استان را به شورای مرکزی کشور معرفی کرده و آن‌ها معمولاً تأیید می‌کردند و اعضای شورای هر استان مسئول اجرایی جهاد در آن استان را معرفی می‌کردند.

در جهاد، ساختار منطقه‌ای جایگزین ساختاربخشی (یا تخصصی) شده بود و به جای استقرار ادارات مختلف در یک روستا، یک دفتر در هر روستا برقرار می‌شد. مسئول هر دفتر براساس نیازهای مردم منطقه به جهاد شهرستان مراجعه می‌کرد و نیازها را مطرح می‌کرد. بعد از محاسبه و

تعیین مسیر، مردم دست به کار می شدند و خودشان کار را پیش می بردند. البته کارشناسان جهاد ناظر بر اجرای پروژه بودند. این ساختار برای هر روستا عامل افزایش سرعت برطرف شدن نیازهای مردم و توسعه‌ی منطقه براساس رفع نیازهای واقعی مردم می شد.

در هر شورا اگر کسی برنامه‌ای در جهت خودکفایی و رفع محرومیت داشت، بعد از جلب اطمینان شورا، با تأمین حداقل امکانات و نیرو اقدام به رفع آن مسئله می کرد. ماکوسازی اصفهان و زه‌کشی دشت کربال استان فارس نمونه‌هایی از فعالیت‌های این واحدها هستند.

بعد از فرمان امام خمینی برای تشکیل جهاد سازندگی، افراد هر استان منتظر انتخاب مسئول یا حکم از تهران نشدند و با جمع شدن در مکانی مانند اتاقی در مدرسه‌ای، جهاد استان را تشکیل می دادند. کسی در زمینه‌ی پزشکی تخصصی داشت مسئول کمیته‌ی پزشکی می شد، یک طلبه مسئول کمیته‌ی فرهنگی می شد و به همین شکل برای هر کمیته مسئولی مشخص می شد. در شهرستان‌ها هم به همین صورت شوراهای تشکیل می شد.

رابطه‌ی شورای استان با شورای شهرستان رابطه‌ی بالا به پایین نبود و کارها در شهرستان‌ها تعریف می شد و مسئولین شورای استان مسئول پیگیری نیازهای جهاد شهرستان‌ها بودند. انتخاب مسئول شورای هر استان و شهرستان به این شکل بود که مسئولین شورای مرکزی هر شهرستان و استان با مشاوره با اعضای جهاد سازندگی آن بخش، افراد را انتخاب می کردند و مسئول اجرایی جهاد کل کشور با مشورت اعضای شورای مرکزی کشور با آن مسئولین منتخب مشخص می شد. مسئولین اجرایی هر شورا دائماً در سفر بودند تا مستقیماً از شرایط گروه‌های زیر نظر خود مطلع شوند و پاسخگوی آنان باشند.

در جهاد، ساختار متناسب با نیاز شکل گرفته بود و نیرو، داخل تشکل و در مواجهه با مسئله های پیش رویش رشد می یافت و کمیته های هر استان متناسب با نیازشان رشد می کردند. برای مثال، استانی که بیشترین مسائل را در ارتباط با کشاورزی داشت، کمیته ی کشاورزی قوی ای هم داشت.

یکی دیگر از ابعاد فعالیت جهاد، فعالیت به صورت شورایی بود. ساختار جهاد در همه ی سطوح به صورت شورا بود. چه در شورای مرکزی، چه در شورای استان و چه در شورای شهرستان و باید همه باهم مشورت می کردند؛ که باعث رشدشان هم می شد. وقتی یکی از اعضای شورا می گفت من فلان چیز را می خواهم، بقیه ی اعضا درباره ی علت نیازش سؤال می کردند و او توضیح می داد تا اطمینان و اعتماد لازم را ایجاد کند و همه از ابعاد کار و توسعه مطلع شوند. در این روش، پرورش نیرو سریع و کارآمد بود. چون افرادی که فقط در یک زمینه تخصص داشتند، بعد از مدتی در زمینه های مختلف دیدگاهی کامل به دست می آوردند. بعد از مدتی بسیاری از مدیران کشور از دل این سیستم درآمدند.

در اوایل انقلاب وقتی جهاد وارد روستا می شد می پرسیدند چه نیازی دارید؟ و گیر کارتان کجاست؟ بعد در آن زمینه وارد می شدند. چون در آن زمان، اکثر خان ها از روستا یا کشور گریخته بودند و بچه های جهاد برای پیشبرد اهداف و هماهنگی کارها به مشکل برمی خوردند، پس یک انتخابات در داخل مسجد روستا برگزار و شورای روستا را تشکیل می دادند. و بعد از آن، کارها را با آن ها پیش می بردند. این روند بعداً به قانون تبدیل شد و خود مردم روستا هم، از وجود شورایی از خودشان که می توانند برای حل مسائل و پیشبرد امورشان به آن مراجعه کنند راضی بودند و در آن مشارکت می کردند.

### ۳-۵- اثرات جهاد سازندگی

فعالیت جهاد سازندگی در مناطق روستایی و کم برخوردار کشور اثرات اجتماعی و فرهنگی مختلفی برجای گذاشته بود که به تعدادی از آن‌ها در ادامه اشاره خواهد شد.

#### ۳-۵-۱- امیدواری روستایی‌ها

وقتی خبر حضور جهاد و دانشجویان به روستایی می‌رسید، مردم به محل روستای محل استقرار تیم جهاد می‌رفتند و از آن‌ها برای حضور و آبادانی روستای خود درخواست کمک می‌کردند. دانشجویان و اعضای جهاد با دیدن محرومیت و روستائیان با دیدن حضور و کمک اقشار مختلف مردم برای کمک در رفع محرومیت‌شان، انگیزه‌ی مضاعفی برای رفع آن نیاز و مشارکت در این امر پیدا می‌کردند.

#### ۳-۵-۲- بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده

پس از پایان جنگ، جهاد سازندگی با تمام امکانات خود به بازسازی مناطق جنگ‌زده پرداخت. برای مثال می‌توان از آماده‌سازی شهر جدید قصرشیرین و لوله‌گذاری آب شرب این شهر و لایروبی از رودخانه‌ی بهمین شیر، اشاره کرد.

### ۳-۵-۳- ایجاد ارتباط بین فعالیت‌های اجرایی و مراکز تحقیقاتی

یکی از رویکردهای این سازمان ایجاد ارتباط بین مراکز تحقیقاتی و علمی کشور با نیازها و مسائل کشور بود. این ارتباط موجب تأمین نیازهای کشور به دست کارشناسان و دانشگاہیان ایرانی شد. از دست‌آوردهای این رویکرد می‌توان به تولید و گسترش انواع واکسن‌های پزشکی و دامپزشکی اشاره کرد.

### ۳-۵-۴- تمرکز زدایی امر توسعه

یکی دیگر از فعالیت‌های جهادسازندگی، توسعه‌ی انسانی و توسعه‌ی پایدار با تأکید بر تمرکز زدایی از دولت بود. این سازمان با استفاده از ظرفیت‌های مختلف اجتماعی از جمله دانشجویان، کارشناسان و مردم بومی هر منطقه، اقدام به توانمندسازی مردم آن منطقه می‌کرد. برای مثال می‌توان به استفاده از مهندسان کشاورزی حاضر در دوره‌ی نظام وظیفه در راستای حل مسائل مورد نیاز سازمان و کشور اشاره کرد.

### ۳-۵-۵- کمک به خودکفایی در بعضی از محصولات استراتژیک غذایی

جهاد سازندگی از همان ابتدا با قصد خودکفایی کشور در زمینه‌ی بعضی از محصولات کشاورزی و دامی استراتژیک و قطع وابستگی به بیگانگان شروع به فعالیت کرد و در ادامه با استفاده از ظرفیت بدنه‌ی مردمی و

کارشناسان داوطلب خود و با آموزش و ایجاد بستر برای رشد تولید، گام‌های بزرگی در این راستا برداشته است.

### ۳-۶- انحلال جهاد سازندگی

از جمله ایرادهایی که از زمان بنی صدر بر جهاد وارد می‌کردند، کمبود نیروی متخصص در جهاد بود. وزارت کشاورزی اصرار داشت به دلیل داشتن متخصص بیشتر نسبت به جهاد، باید جلوی کار جهاد گرفته شود، یا کار جهاد زیر نظر آن‌ها پیش رود؛ در حالی که اثرگذاری کار جهاد بیشتر بود.

در ادامه برای استمرار کار جهاد سازندگی در بخش توسعه‌ی روستایی، لازم شد که جهاد در هر زمینه‌ای که می‌خواست وارد شود، قرارداد آن پروژه را با وزارتخانه‌ی مربوط امضا کند. زیرا بودجه‌ی کار از این طریق تأمین می‌شد. این روند باعث ایجاد مسائلی می‌شد و وقتی از مجرای بروکراسی دولتی می‌گذشت هزینه‌ی کار بالا می‌رفت و زمان پروژه به مراتب طولانی‌تر می‌شد که دلیل آن هم تفاوت در معیارهای سنجش دستگاه‌های دولتی با جهاد سازندگی بود.

همچنین با راه افتادن موج ترورها در سال ۱۳۶۰ و شهادت شهید بهشتی و تعدادی از نیروهایی که اعتقاد داشتند جهاد خود باید ساختارش را پیدا کند و به بلوغ برسد تا الگویی برای اصلاح در ادارات دیگر شود، راه برای وزارتخانه‌ای و اداری شدن جهاد هموار شد و دیدگاه وزارتخانه‌ای شدن جهاد بر دیدگاه مکمل دولت بودن آن غلبه پیدا کرد. و بالاخره این سازمان در سال ۱۳۶۳ با یک ساختار ناقص و وجود خلأ در قسمت‌های مختلف به یک وزارتخانه تبدیل شد. با این تغییر، خیلی از

روحیات و مواردی که از نقاط قوت جهاد به حساب می آمد، ضعیف شد و کلید کم رفق شدن جهاد سازندگی از آنجا زده شد؛ گرچه عملکرد جهاد در دفاع مقدس، با شیوه ی قبلی، کارآیی ساختار قبلی خود را به رخ همگان می کشید.

یکی از آفات وزارتخانه ای شدن جهاد سازندگی، ورود ریاست از بالا به پایین به این سازمان آن هم از مجرای تأیید طرح ها برای گرفتن بودجه و تجمیع اختیارات در مرکز بود. این ترتیب، جوشش لایه های شهرستان و استان را می گرفت و روحیه ی کار جهادی را در اعضا ضعیف می کرد. این طرح ها با توجه به سیستم منطقه ای مشخص می شد، اما شخصی در تهران با سیاست های مورد نظر خودش باید آن را تأیید می کرد! همچنین اگر نیازی حیاتی برای مردم منطقه ای پیش می آمد، باید تا سال بعد که مهلت بودجه نویسی بود، صبر می کردند؛ که این هم یکی دیگر از مشکلات وزارتخانه ای شدن بود. محدود شدن اختیارات جهادهای شهرستان، و کم رنگ شدن کمک ها و مشارکت های مردمی در پیشبرد پروژه ها هم از دیگر مشکلاتی بود که وزارتخانه شدن، به جهاد تحمیل کرد و باعث افت کارآیی آن شد.

بعد از شهادت شهید بهشتی، عوامل مختلفی از جمله: افراط و تفریط درباره ی اختیارات جهاد بین مجلس و دولت با جهاد، بالا گرفتن اختلافات سیاسی و اندیشه ای، تغییر تفکر بعضی از مدیران جهاد که معتقد بودند از دوران جهاد گذر کردیم و وارد دوران فن سالاری شده ایم، و تبدیل شدن جهاد به وزارتخانه، مقدمات لازم جهت از دست رفتن کارآیی و هویت جهاد سازندگی را فراهم کرد و سرانجام در دی ماه ۱۳۷۹ پس از کِش و قوس های فراوان درباره ی تراحم اختیارات و حوزه های فعالیت های وزارت جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی، این دو وزارتخانه ادغام شده و به وزارتخانه ی جهاد کشاورزی تبدیل شدند. این تغییر با با فشار دولت



وقت و تصویب مجلس برای یکپارچه کردن حوزه‌ی مدیریت کشاورزی و عمران روستایی انجام شد.

### ۳-۷- تشکیل بسیج سازندگی

با انحلال جهاد سازندگی، احتمال آسیب به فعالیت‌های محرومیت‌زدایی می‌رفت. به همین دلیل رهبر انقلاب در سال ۱۳۷۹ با فرمان تشکیل بسیج سازندگی، این سازمان را مأمور به حمایت از ادامه‌ی گفتمان خدمت‌رسانی در بین جوانان کشور کرد. توجه به جوانان و استفاده از توان و تخصص آنان در عرصه‌های مختلف برای رفع مشکلات و بحران‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ... از دیگر تأکیدات ایشان در ایجاد بسیج سازندگی بود.

سال‌ها می‌گذرد. امروز شاید آن حرکت‌های مردمی و عمومی که در آن مرد و زن و پیر و جوان، آخرفته‌ها به جای تفریح و بهره‌مندی شخصی به روستاها می‌رفتند، دیگر نباشد، اما روح مجاهدت و ایثار همچنان جاری است و نسل سوم از جوانان نسل اول اگر ایمان‌شان قوی‌تر نباشد، پُرشورتر نباشد، بصیرت‌شان روشن‌تر نباشد، یقیناً عقب‌تر نیستند.

### ۳-۸- خوانش‌ها و رویکردهای مختلف جهادی

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی فعالیت‌های جهادی یکی از مهم‌ترین عناصر مبارزه با فقر و محرومیت‌زدایی بوده. در این سال‌ها خوانش‌های مختلفی از عمل و گروه‌های جهادی بوده و به دنبال آن رویکردهای مختلفی وجود داشته. در این قسمت، فعالیت‌های جهادی و رویکردهای به آن را در چهار دسته‌ی کلی **شخص‌محور**، **گروه‌محور**، **منطقه‌محور**، و **عرصه‌محور** دسته‌بندی می‌کنیم؛ هرکدام از دسته‌ها محورهای متفاوتی دارند و شامل **رویکرد متفاوتی** می‌باشد، اما هدف نهایی همگی کمک به **محرومیت‌زدایی** و **توانمندسازی** انسان است.

#### ۳-۸-۱- رویکرد شخص‌محور

در این رویکرد معمولاً محور شکل‌گیری فعالیت براساس تشخیص، ارتباطات و پیگیری یک فرد است که به دلیل سرمایه‌ی اجتماعی این شخص و محرومیت منطقه، دستگاه‌های دولتی و کمک‌های مردمی به منطقه وارد می‌شود. یکی از نمونه‌های موفق این رویکرد مرحوم «حاج عبدالله والی»<sup>۱</sup> است که در ادامه باهم به مرور فعالیت‌های ایشان می‌پردازیم.

#### ۳-۸-۱-۱- حاج عبدالله والی

حاج عبدالله از قبل از انقلاب، در خیریه‌ی **ثامن الحجج** مشغول به فعالیت بودند. اکثریت بازار تهران در خیریه‌ی **ثامن الحجج** عضو بودند

---

۱. کتاب‌های «تأخیمی شهر» و «اسطوره‌ی خدمت» به طور مفصل شخصیت حاج عبدالله پرداخته‌اند و در صورت تمایل می‌توانید به آن‌ها مراجعه فرمایید.

و در خیابان شهرری یک مکانی را داشتند. هدف این خیریه، کمک به محرومین و مستمندان بود، و مردم بعضی از محلات تهران را پوشش می دادند. حاج عبدالله کارمند بانک بود و بعد از بانک می رفت در خیریه کمک می کرد. اجناس را بسته بندی می کردند و شب بعد از نماز مغرب و عشا می بردند درب منازل این عزیزان توزیع می کردند. حوزه ی فعالیت این خیریه در مناطقی از جنوب تهران مثل شهرری و مشیریه و خاورشهر و افسریه و ... بود.

از ابتدای دوران دفاع مقدس تا سال ۱۳۶۰، حاج عبدالله در جبهه حاضر بود. در همان سال آقای ملک شاهی مسئول وقت هلال احمر منطقه ی بشاگرد را به ایشان معرفی کردند؛ توصیفاتى از محرومیت منطقه برای حاج عبدالله بیان کردند و درخواست ارسال کمک هایی به آن منطقه داشتند. در ابتدا با ۲ کامیون ارزاق و ۳۵ نفر نیرو راهی منطقه شدند. از این ۳۵ نفر، ۳۳ نفرشان برگشتند. ۲ نفرشان ماندند؛ آقای اسدی نیا که بعداً فرماندار میناب شدند و حاج عبدالله. حاج عبدالله در سال ۱۳۶۱ و بعد از تأکید امام خمینی بر ارجحیت فعالیت در این منطقه بر جبهه، کار خود را همراه ۳ برادر دیگرش شروع کرد.

از اولین اقدامات حاج عبدالله والی، تأسیس مدرسه های شبانه روزی برای روستاهای منطقه بود. حاج عبدالله با هماهنگی اداره ی آموزش و پرورش میناب معلمانی از استان های اطراف برای دایرشدن مدارس به بشاگرد آورده بود. در سال ۱۳۶۶ کلاس ها همچنان در کپرها برگزار می شد. حاج عبدالله تصمیم گرفت تعدادی از جهادگران را به منطقه بیاورند تا هم کمکی در راستای محرومیت زدایی کرده باشند و هم روی خود این افراد کار فرهنگی انجام شده و محرومیت دیگر مناطق کشور را حس کنند. به همین دلیل ابتدا به سراغ دبیرستان های منطقه ی شمیرانات تهران رفت و از اعضای این مدارس که اکثراً از اقشار مرفه جامعه بودند شروع

کرد. از اعضای این گروه‌ها برای ساخت و ساز در زمینه‌های مختلف استفاده می‌کرد.

نظر حاج عبدالله این بود که این دانش‌آموزان موقعی که با بچه‌های منطقه معاشرت پیدا می‌کردند و صحبت می‌کردند، بچه‌های روستا کارها و روحیه‌ی جهادی این‌ها را می‌بینند، الهام می‌گیرند و آن‌ها هم کار این افراد جهادگر را ادامه می‌دهند.

از دیگر اقدامات حاج عبدالله در بشاگرد، راه‌سازی بود. چون برای انجام هر کاری اول باید راه ارتباطی میسر می‌شد. هزینه‌ی این کار هم توسط تعدادی از بازاریان خیر که حاج عبدالله به منطقه برد تأمین شد.

از نکات قابل توجه در رفتار حاج عبدالله، مشارکت دادن مردم در این امر بود. حاج عبدالله معتقد بود اگر کمک‌ها و مشارکت‌های مردم بومی منطقه در منطقه‌ای که می‌خواهیم فعالیت محرومیت‌زدایی را شروع کنیم، نباشد، موفق نمی‌شویم. اگر علاقه و همراهی مردم نبود، نه حاج عبدالله می‌توانست آنجا فعالیت داشته باشد، نه عزیزانی که بازوهای حاج عبدالله بودند. مردم بشاگرد پا به پای حاج عبدالله می‌آمدند. خیلی خون‌گرم و مهمان‌نواز بودند. عاشق حاج عبدالله بودند و وقتی حاج عبدالله به رحمت خدا رفت، این‌ها می‌گفتند ما پدرمان را از دست دادیم.

فعالیت‌های حاج عبدالله ناظر به نیازهای مردم بود. او مشاهده کرد که اگر کسی مریض شود، در اینجا محلی نیست که درمانش کنند. اکثراً از بیماری‌های ساده، آسیب جدی می‌دیدند و به رحمت خدا می‌رفتند. پزشک نبود، مسیر هم مسیری نبود که ماشین تردد داشته باشد. یک پزشک آورد و چادر پزشکی ایجاد کرد.

حاجی سفره‌ای هم باب کرده بود به نام «سفره‌ی حضرت امام». هرکس که می‌آمد ناهار و شام مهمان حضرت امام بود. غذای گرم می‌داد.

در راستای توانمندسازی سالمندان روستا، حاج عبدالله به آن‌ها می‌گفت با شما شریک می‌شوم، نهال و امکانات از من و زمین از تو. تو این‌ها را آبیاری کن تا به ثمر بنشینند. آن‌ها قبول می‌کردند و شریک حاج عبدالله می‌شدند. بارهای مرکبات که حاج عبدالله می‌آورد، نهال پرتقال و نارنگی و لیموترش بود. زمین بشاگرد مستعد بهترین مرکبات بود. کار کشاورزی یکی از کارها بود. کارهای مکانیکی، بلوک زنی و ... همه‌ی این کارها را در آنجا کارآموزی می‌دادند تا اینکه که بومیان روی پای خودشان بایستند.

تا جایی‌که الان در منطقه، روستایی نیست که مدرسه‌ی ابتدایی نداشته باشد، و همه‌ی دبیرهایشان از اهالی بومی خود منطقه‌اند. منطقه‌ای که دبیر بومی نداشت امروز حتی اساتید دانشگاه‌هایشان بومی‌اند. پزشک منطقه بومی است، دهدار و شهردار و بخشدار و ... بومی‌های خود منطقه هستند. اکثراً تحصیل کرده شدند و مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، خود این‌ها گروه جهادی تشکیل دادند.

### ۳-۸-۲- رویکرد گروه محور

در این رویکرد، گروهی باتوجه به ماهیت، امکانات و آرمان و اهداف خود شروع به فعالیت می‌کند. معمولاً فعالیت‌های این گروه‌ها در راستای جلب حمایت‌ها و توجهات به سمت اهداف و آرمان‌های گروه است. منابع مالی فعالیت اینان از طریق همراهی اعضای گروه، سرمایه‌ی اجتماعی گروه در بین آحاد جامعه تأمین می‌شود. یکی از نمونه‌های موفق این رویکرد، فعالیت‌های بخش اجتماعی حزب الله لبنان است که در ادامه شیوه‌ی فعالیت این گروه در بخش خدمات اجتماعی را مرور می‌کنیم.

### ۳-۸-۲-۱- حزب الله لبنان

موفقیت و محبوبیت حزب الله در جامعه‌ی لبنان را تا حد قابل توجهی باید مرهون ارائه‌ی خدمات اجتماعی دانست. این گروه نظریات ساختار سازمانی ترکیبی را با استفاده از نظریه پردازان انقلابی، بومی و کارآمدتر و قابل صدور ساخت. سازمان‌های شیعه‌ی درون لبنان با تغییر هرم نیازها تکامل پیدا کرد. امام موسی صدر با برطرف کردن نیازهای اولیه و سازمان دهی مناطق شیعه نشین لبنان. که جزء مناطق محروم این کشور بود. زمینه ساز ایجاد شاخه‌ای برای پروژه‌های اجتماعی در جامعه‌ی شیعیان لبنان شد. این عامل خود زمینه ساز فعالیت‌های سیاسی شد؛ و در ادامه، با حمله‌ی رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲ به تشکیل یک جناح مقاومت منجر شد. حزب الله از دل این مجموعه تأسیس شد. حزب الله به دلیل دفاع از کشور لبنان، اندیشه‌ی دینی، حمایت از فلسطین و همچنین ارائه‌ی یک سری خدمات اجتماعی منظم و یکپارچه که برخاسته از اندیشه‌ی دینی و انسانی است، در کشور لبنان محبوبیت قابل توجهی دارد.

ساختار حزب الله شامل ۳ بخش اصلی و ۱ بخش اجرایی است. بخش‌های اصلی عبارتند از:

□ بخش نظامی و امنیتی

□ بخش سیاسی

□ بخش خدمات اجتماعی

مصوبات این بخش‌ها بعد از تأیید شورای رهبری برای اجرا به مسئولین حزب الله در هر منطقه ارسال می‌شود. بخش خدمات اجتماعی حزب به منظور پاسخگویی سریع به نیاز فقرا تأسیس شده است. در

سخنرانی‌های مسئولین این شاخه بیان شده که قصد دارند همه‌ی ابعاد نیاز فقرا را در نظر بگیرند. در اصل این بخش با کمک به محرومان و مستضعفان و تأمین نیازهای آنان تا حد ممکن هم به داشتن زندگی بهتر و ایجاد بستر رشد برای مردمان مناطق مورد نظرشان کمک می‌کنند و هم به جلوگیری از ناامنی به وسیله‌ی فقر در آن مناطق.

این بخش از حزب متشکل از:

- گروه جهاد سازندگی البنا
- سازمان بهداشت اسلامی
- بنیاد شهدا
- انجمن زنان
- سربازان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم
- قسمت آموزش

است که به عقیده‌ی برخی از کارشناسان، نمونه‌ی بومی و بهبودیافته‌ی سازمان‌های مردمی ایرانی است.

گروه جهاد سازندگی البنا به جهت بازسازی مناطق جنگی شیعه نشین در سال ۱۹۸۵ پایه‌گذاری شد. و در ادامه علاوه بر همکاری با دولت لبنان برای زدودن چهره‌ی جنگ از شهرهای محل درگیری، به سازندگی بعضی دیگر از مناطق محروم لبنان که متعلق به فرقه‌های مختلف هستند، می‌پردازد. یکی از ویژگی‌های این گروه، استفاده از ظرفیت‌های مردمی برای سازندگی است.

وظیفه‌ی سازمان بهداشت اسلامی، تأمین خدمات پزشکی و درمانی است. انجمن زنان نیز وظیفه‌ی حل مشکلات همسران شهدا و تأمین مالی آنان را برعهده دارد. گروه سربازان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم، گروهی از

پیش‌آهنگان نوجوان هستند که به تعلیم مفاهیم دینی به نوجوانانی که عضو آن هستند، می‌پردازند. مخاطب این گروه، نوجوانانی در بازه‌ی سنی ۸ الی ۱۷ سال هستند، که به وسیله‌ی فعالیت‌هایی مانند اردو زدن، ورزش و شرکت در امور خیریه آموزش می‌بینند. سازمان آموزش هم‌وظیفه‌ی مدرسه‌سازی در مناطق محروم، تأمین هزینه و یا اعطای کمک هزینه‌ی تحصیلی دارد تا افراد محتاج و مستعد از تحصیل باز نمانند.

### ۳-۸-۳- رویکرد عرصه محور

رویکرد عرصه محور شامل گروه‌هایی است که دارای یک محیط مملو از متخصص در یک امر هستند. در این صورت امکان بسیج کردن و رفع نیاز تخصصی به وسیله‌ی حضور داوطلبانه‌ی متخصصین و یا فراگیران این زمینه به وجود می‌آید. این گروه‌ها معمولاً ریشه در محیط‌های علمی و صنفی دارند و به دلیل بالابودن سطح مهارت و میزان پاسخگویی به آن نوع نیاز، مورد استقبال ارگان‌های مختلف قرار می‌گیرند.

عموم گروه‌های جهادی که به صورت تخصصی در زمینه‌ای خاص - مانند اقتصادی، سلامت، عمرانی یا اجتماعی - فعالیت می‌کنند در این دسته قرار می‌گیرند. این گروه‌ها هدف از تشکیل خود را حل مسائل یک حوزه قرار داده‌اند و تا رفع آن‌ها تلاش خواهند کرد.

### ۳-۸-۴- رویکرد منطقه محور

نوع چهارم از فعالیت‌های جهادی، فعالیت متمرکز بر یک منطقه است. در این رویکرد، گروه‌ها و تشکل‌های فعال به صورت چند بُعدی و مستمر



در یک منطقه تمرکز می نمایند و با طراحی و اجرای سلسله اقداماتی سعی در رفع ریشه ای و بلندمدت مسائل منطقه ای هدف خود دارند. جمعیت امام حسن علیه السلام و الگوی استقرار و فعالیت آن، به عنوان مثالی برای این مدل تشریح شده است.

### ۳-۸-۴-۱- جمعیت دانشجویی امام حسن علیه السلام

جمعیت دانشجویی امام حسن علیه السلام در سال ۱۳۹۵ و با اتکا به تجربه ای چندین ساله ای اردوهای هجرت گروه های جهادی دانشجویی، توسط تعدادی از فعالان و دانشجویان، با هدف فعالیت در زمینه ای مسائل و آسیب های اجتماعی موجود در حواشی شهر تأسیس شد.

این افراد پس از احساس خلاء در زمینه ای حل مشکلات حواشی شهرها، تمرکز خود را از اردوهای هجرت به این مناطق معطوف کردند. نزدیک بودن این مناطق به محل اسکان دانشجویان و فعالان جهادی دانشجویی همچنین نوع نیازهای خُرد موجود در این مناطق، امکان مشارکت پذیری در این حرکت را افزایش داد و باعث رونق این حرکت شد. این جمعیت شبکه ای است از گروه های جهادی منطقه ای که با توجه به نیاز مناطق و ظرفیت گروه ها اقدام به برگزاری پویش، آموزش و انتخاب عرصه می کند.

این جریان، ابتدا با هدف توجه گروه های جهادی دانشجویی به مناطق حاشیه ای شهرها شروع به فعالیت کردند و در ادامه با هدف شکل دادن به ساخت اجتماعی این محلات، شروع به اصلاح نهادها و نظام های اجتماعی ناکارآمد آن محلات از قبیل نظام سلامت، همسایگی، تربیتی و ... کردند. و با همکاری نهادهای مرتبط، از قبیل سرای محله،

خانه‌ی سلامت، مساجد و ... سعی در پیشبرد این هدف داشتند. به صورت کلی فعالیت در حاشیه‌ی شهر. به دلیل آسیب دیده بودن افراد از روستا دشوارتر است و جلب توجه این قشر تلاش بیشتر و روش‌های متنوع‌تری می‌طلبند.

اولویت اول فعالیت‌های این جمعیت، پیشگیری و اولویت بعدی آن درمان است؛ به همین جهت این گروه در ۳ سطح به فعالیت می‌پردازد. در مواردی که در سطح قانون‌گذاری و حاکمیتی است، این گروه به مطالبه‌گری می‌پردازد. در مواردی که مخاطبین آن در معرض آسیب هستند. از قبیل خانواده، کودکان کار و بازماندگان از تحصیل، زنان سرپرست خانواده و ... به آموزش و توانمندسازی می‌پردازد و در سطح آخر به درمان افراد آسیب‌دیده‌ی اجتماعی می‌پردازد. بیشتر انرژی این جمعیت در لایه‌ی دوم. پیشگیری. متمرکز است. البته نوع فعالیت‌های این گروه‌ها بیشتر سازماندهی است تا تولی‌گری. این گروه‌ها با حضور در منطقه و بررسی شرایط و برنامه‌ریزی، برنامه‌ی همکاری را با عوامل اجرایی آنان از قبیل امام جمعه، مسئول مرکز بهداشت، مدیر مدرسه و معلم و ... تعریف کرده و در راستای اجرای آن به این عوامل اجرایی کمک می‌کنند.

جلب مشارکت مردمی برای آن‌ها، در دو دسته‌ی مشارکت‌کننده‌ی خارجی و مشارکت‌کننده‌ی بومی مطرح است. در سطح مشارکت‌کننده‌ی خارجی، حضور داوطلبین به مراتب راحت‌تر از اردوهای هجرت در روستاهاست. زیرا دیگر مسئله‌ی فاصله و بُعد مکان برای مشارکت‌کننده مطرح نیست. افزون بر این، در اردوهای هجرتی که در مناطق محروم روستایی برگزار می‌شود باید منتظر فرارسیدن تعطیلات بین‌ترم می‌بود، اما در این اردوهای مناطق حاشیه‌ی شهر، امکان حضور افراد بیشتر، در دفعات و اردوهای بیشتر را فراهم کرده است.

در بخش مشارکت‌کننده‌ی بومی نیز اگر کارگروه اعزامی مستمر، مفید، مسئله‌محور و با حضور مردم محلی تعریف شده باشد، مردم هم پای کار حاضر خواهند شد. و در صورت انتخاب زمان متناسب با شیوه و روش بهینه، مردم همکاری خواهند داشت.



# ۴ فصل چهارم

جہاد تا کجا؟



## ۴-۱- نه‌ایت کار جهادی چیست؟

وقتی می‌گوییم نه‌ایت جهاد کجاست، شاید ذهن‌ها به سمت شهادت متبادر شود. باید در نظر داشت که جهاد لزوماً با شهادت همراه نیست؛ اما حتماً با اجر مجاهدت و تقرب به پروردگار همراه است. همان‌طور که در فصول قبل بیان شد میدان جهاد همه‌جا هست؛ هم در امور دفاعی و نظامی کشور، هم در دفاع سیاسی از کشور، و هم در تلاش برای پیشبرد اهداف و تأمین نیازهای کشور و جامعه؛ که امروز همه‌ی ما در این سنگر در حال فعالیت هستیم. این‌ها همه نوعی از مبارزه است و همه باید مبارزه کنیم. گاهی، انجام یک تحقیق، اقدام علمی و یا حرکت سیاسی صحیح ما در مجموعه‌ی حرکت دانشجویی یا در خارج آن، مبارزه است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

بنده بارها به دوستانم می‌گویم من امروز احساسم در مقابل جبهه‌ی عظیم جهانی فساد و ضلالت و گمراهی، با احساس دوران اختناق رژیم ستم‌شاهی هیچ تفاوتی نکرده است. آن‌روز هم فکر می‌کردیم باید مبارزه کنیم، امروز هم فکر می‌کنم باید مبارزه کنیم. ما برای مبارزه‌ایم، منتها شکل، عرصه و ابعاد این مبارزه تفاوت کرده و مبارزه پیچیده‌تر و سخت‌تر شده است؛ خون دل این مبارزه از خون دل مبارزه‌ی دوران ستم‌شاهی بیشتر است.

الان طرف ما دستگاه استکبار و ظلم و پنهان شدن زشت ترین خوی های موجود در انسان گمراه در زیر پوششی از چهره ی متبسم و ادکلن زده و قیافه ی کراوات بسته، پنهان شده است! ما امروز با این موجود مبارزه می کنیم. اگر ملتی از مبارزه در راه آرمان خود دست بکشد و از آنچه درست می داند لحظه ای غفلت کند، همان بر سرش خواهد شد که دنیای اسلام و امت اسلامی و ملت های این منطقه در طول قرن ها بر سرشان آمد.

بیشترین منابع و بیشترین ثروت طبیعی را ما اینجا داشتیم؛ مهم ترین مناطق راهبردی و استراتژیک جهان را ما اینجا داشتیم؛ امت اسلامی مایه ی حیات دنیای مدرن و مرقی و صنعتی یعنی نفت را در اختیار داشت؛ اما امروز وضع سیاسی، علمی و عقب افتادگی هایش را نگاه کنید! این به خاطر به خواب رفتن و غافل شدن از مبارزه است. سختی های مبارزه را باید تحمل کرد تا بتوان هم خود به جایگاه شریف و عزیز انسانی رسید، هم نسل های پیاپی بعد از خود را رساند. در این مبارزه باید به خدا تکیه کنیم.<sup>۱</sup>

مبارزه و جهاد به یک معنا تمام نشدنی است. چون شیطان همیشه در دنیا هست. و با تغییر موقعیت، شکل جهاد تغییر پیدا می کند. اگر کشورها و ملت هایی، بتوانند همت کنند و جامعه ی بشری را و جامعه ی جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. یعنی عمده ی مشکل بشریت این است. امروز دستگاه های استکباری و در رأس آن ها آمریکا، همچون زالو از جان بشریت تغذیه کرده،

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶



او را تحت فشار قرار داده، او را آشفته می‌کنند، زندگی اش را پریشان می‌کنند؛ [اگر] بشریت بتوانند خودشان را از زیر این سایه‌ی سنگین، از زیر این کابوس بیرون بکشند، آن وقت نفس راحتی خواهد کشید.

البته کار آسانی نیست، کار دشواری است، مبارزات طولانی و بلندمدت می‌خواهد. ملت ایران گام‌های بلندی را در این راه برداشته است. خودِ نفسِ تشکیل نظام اسلامی، بلندترین گام بود؛ تشکیل پیاپی مجلس قانون‌گذاری که مظهر مردم‌سالاری اسلامی است، بزرگ‌ترین کار است؛ خودِ نفسِ نشستن شما در این جایگاه، نفسِ حضور شما به عنوان نماینده‌ی مردم و مظهر مردم‌سالاری دینی یک مبارزه است؛ این را باید قدر دانست و پیش برد.<sup>۱</sup>

## ۴-۲- ترویج گفتمان جهادی؛ از معنا تا شیوه

یکی از وظایف هر فرد تواصی است. توصیه به جهاد و تکثیر و ترویج این موضوع از ضروریات ادامه‌ی مسیر جهاد است. زمانی کار جهادی شکل عمومی و مردمی پیدا می‌کند که فکر و اندیشه‌ی جهادی را تبدیل به گفتمان عمومی کرده باشیم. یعنی برای اینکه موضوعی را بخواهیم ترویج کنیم، وقتی آن موضوع تبدیل به گفتمان شود، ترویج آن آسوده‌تر است. مثال‌های متعددی در جامعه‌ی ما وجود دارد که ابتدا تبدیل به گفتمان شدند و آرام آرام ترویج بیشتری پیدا کردند.

---

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۳/۳/۴

با ترویج گفتمان جهادی همان طور که مقام معظم رهبری فرمودند علاوه بر این که کیفیت خودمان را بالا برده، کمیت را هم افزایش می دهد. این اندیشه را باید در محیط های خانوادگی، محیط های دانشگاه، دانشکده، مدرسه و حتی محیط کار ترویج کنیم. مقام معظم رهبری وسایل این کار را تبلیغات درست و تبلیغات هنری را بیان می کنند. وقتی کار جهادی در منطقه ای صورت می گیرد، باید این کارها را به عموم مردم نشان بدهیم. انسان فطرتاً به آبادانی میل دارد و وقتی می بیند جایی آباد شده است، روح و دلش شاد می شود و حس شادابی و زندگی را احساس می کند. زیبایی این حس ها را باید به مردم و عموم جامعه نشان داد. این خودش حس امیدی ایجاد می کند که افراد و جوان ها را به سمت این کارهای جهادی می کشاند.

در زمینه ی رسانه ما به شدت ضعیف عمل می کنیم. به جرئت می توان گفت که شاید هیچ کاری در راستای ترویج گفتمان جهادی نشده. فضای رسانه ای و تبلیغات و نشان دادن کارها به مردم به هیچ وجه تناقضی با اخلاص در کار ندارد. ما می توانیم در کنار اخلاصی که داریم از خدا بخواهیم که به ما کمک کند که با تبلیغات و با فضای رسانه افراد بیشتری را عامل به این تفکر جهادی کنیم. البته نیاز به کار دارد و باید مراقب باشیم که در دام شیطان نیفتیم. مقام معظم رهبری نکته ی بسیار ویژه ای دارند در این موضوع:

مسئله ی ثبات و عدم لغزش است؛ من خواهش می کنم به این اهمیت بدهید. شما با یک مجموعه ی جوان دارید کار می کنید؛ جوان در معرض دو آسیب است: یکی آسیب عدم ثبات در راه، آن تغییر فکری؛ یکی هم آسیب دچار شدن و مبتلا شدن به ابتلائات بشری؛ مُجمل و سر بسته اش این

است. مراقب باشید این جوان‌های شما از این آسیب‌ها محفوظ بمانند؛ در صراط مستقیم ثبات لازم است، باید دارای ثبات باشند.<sup>۱</sup>

و همه‌ی این کارها با یک کار رسانه‌ای عقلانی و هنرمندانه شکل می‌گیرد؛ چه بسا لازم باشد تیمی مجزا در هر گروه جهادی برای این موضوع داشته باشیم که فقط و فقط روی انعکاس فعالیت‌های افراد گروه کار کند و این فعالیت‌هایی را که تعدادی از جوانان بدون بودجه‌ای از طرف دولت و یا اجباری از طرف نهادهای خاص انجام می‌دهند، و توانسته‌اند منطقه یا بخشی از منطقه‌ای را آباد کنند یا محرومیت‌زدایی یا کارآفرینی کرده‌اند را به بهترین شکل ممکن به مردم اطلاع‌رسانی کنیم؛ این، اصلی‌ترین حرکت در ترویج گفتمان است.

## ۴-۳- نسبت جهادی با تمدن نوین اسلامی

نهایت فعالیت جهادی آماده‌سازی جامعه و تک‌تک افراد آن برای ساخت تمدن نوین اسلامی است، همچنان‌که رهبر انقلاب در زمان‌های مختلف به این موضوع اشاره داشته‌اند:

[راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی] تربیت نسلی است با خصوصیات آن خصوصیات این‌هاست؛ نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور؛ - البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم، اما این بایستی گسترش

---

۱. بیانات در دیدار گروه‌های جهادی با رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۹۸/۵/۱۰

پیدا کند. چنین نسلی لازم داریم.

بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام «أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ»<sup>۱</sup> زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدّیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.

بعضی‌ها از روی دشمنی، «انقلابی» را بد معنا می‌کنند. انقلابی را به معنای بی‌سواد، بی‌توجه، بی‌انضباط تعبیر می‌کنند؛ نه خیر، اتفاقاً درست به عکس است. انقلابی یعنی دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدبیر، دارای حرکت، دارای عقل، خردمند. ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل، نسل جوان ماست. سرمایه‌ی این حرکت، این نسل است و موتور محرکه‌ی این حرکت هم نخبگان جوانند؛ نخبگان این جوری هستند. شماها موتور محرک‌ید. اگر شما خوب کار کردید، این نسل جوان در همین جهتی که عرض کردم، حرکت خواهد کرد. علت اینکه بنده به نخبگان اهمیت می‌دهم و وجود آن‌ها را قدر می‌دانم این هاست. نخبه ارزش دارد.<sup>۲</sup>

۱. خطبه‌ی ۱۱ نهج البلاغه: از سخنان آن حضرت است وقتی که در نبرد جمل پرچم را به دست فرزندش محمد حنقیه داد: تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُولُ عَصَى عَلِيٍّ نَاجِدِكَ أَعْرِ اللَّهَ جُمُوعَتَكَ تَدْفِي الْأَرْضَ قَدَمَكَ أُرْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ وَ عَصَى بَصْرَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ شُبْحَانَهُ.

ترجمه: اگر کوه‌ها از جای بجنبند تو ثابت باش. دندان بر دندان بفشار. سر خود را به خداوند بسپار. قدم‌هایت را بر زمین میخکوب کن. دیده به آخر لشکر دشمن بینداز. به وقت حمله چشم فروگیر. و آگاه باش که پیروزی از جانب خدای سبحان است.

۲. بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۷/۲۸

تکیه‌ی بنده روی جوان‌هاست؛ می‌بینید که غالباً دلبسته‌ی جوان‌ها و امیدوار به جوان‌ها هستیم برای آینده؛ منتها آن جوانی که می‌تواند پیشران حرکت عظیم کشور به سوی تمدن نوین اسلامی باشد کدام جوان است؟ چه جور جوانی است؟ بنیه‌ی معنوی اینجا معنا پیدا می‌کند؛ جوانی که باانگیزه است، باایمان است، باخرد است، قدردان توان خویش است، اهل کار است، اهل ابتکار است، توکل به خدا دارد، اعتماد به نفس دارد.<sup>۱</sup>

## منابع

۱. نهج البلاغه.
۲. بیانات رهبر انقلاب اسلامی.
۳. بیانات امام خمینی عج.
۴. تا خمینی شهر: روایت زندگی مجاهدانه حاج عبدالله والی؛  
مؤسسه‌ی جهادی صهبا، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری ایمان جهادی، ۱۴۰۱.
۵. رسم جهاد: تجربه‌های کار جمعی در جهاد سازندگی به روایت  
حسین علی عظیمی؛ محمدرضا حسینی، دفتر مطالعات جبهه‌ی فرهنگی  
انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷.
۶. اسطوره‌ی خدمت؛ سید محمدباقر مهاجر، مؤسسه‌ی شهید آوینی،  
۱۳۸۵.

انبیاء الهی قدم بر زمین گذاشتند تا به وسیله مردم، قسط و عدل را در زمین بگسترانند و این مهم محقق نشد مگر با حضور مردانی که از زمین به پا خواستند و قیام کردند در مقابل ظلم و طاغوت، فقر و تبعیض و شایسته ورود به فرودس از درب جهاد شدند. ذهن و قلب و عمل جهادگراست که از اون یک عنصر تابنده و درخشان می سازد و این به دست نخواهد آمد مگر در آینه قرآن و سیره ائمه و بزرگانی که در این مسیر قدم گذاشتند و پس از سالها تلاش جمعی و تحمل رنج و ضرر به مقام جهادگرنائل آمدند. **«همه باهم جهاد»** تلاشی است برای توصیف جهادگرانی که طلوع فردا در انتظار آنان است.



JAHADGARAN.ORG

